

طبقه اجتماعی و رتبه کنکور: مطالعه‌ای انتقادی در دانشگاه بوعلی سینای همدان

احمد کریمی بهروزیان،* نادر افقی،** حمید عباداللهی چندانق***
(تاریخ دریافت ۹۷/۰۲/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۸/۰۲/۱۵)

چکیده: پژوهش حاضر، با رویکردی انتقادی و با الهام از نظریه بازتولید فرهنگی بوردیو به بررسی رابطه طبقه اجتماعی و موفقیت در کنکور در میان دانشجویان کارشناسی دانشگاه بوعلی سینای همدان می‌پردازد. پژوهش حاضر از نوع پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه است. جمعیت آماری شامل (۱۲۵۰۰ نفر) و حجم نمونه تعداد ۳۷۰ دانشجو است که با استفاده از فرمول کوکران برای داده‌های کمی و روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه بندی شده انتخاب شدند. بنابر یافته‌های به‌دست آمده، بین سرمایه اجتماعی شبکه‌ای و هوش شناختی از یک سو و رتبه کنکور از سوی دیگر رابطه معنادار وجود داشت. یافته‌های حاصل از آزمون‌های تفاوت بیانگر عدم وجود تفاوت بین اخلاق کار طبقات بالا و پایین، عدم وجود تفاوت طبقاتی بین دانشجویان رشته‌های محبوب و کمتر محبوب و نیز عدم وجود تفاوت در میزان امیدواری به آینده بین این دو دسته از دانشجویان، و همچنین وجود تفاوت هوشی بین آنان و رابطه معکوس ناامنی غذایی با هوش شناختی بود.

مفاهیم اصلی: اخلاق کار، امنیت غذایی، امید، طبقه، سرمایه اجتماعی شبکه‌ای، هوش شناختی.

karimibehroozian.a@gmail.com

*. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان

naderofoghi@gmail.com

** .استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)

h_ebadollahi@hotmail.com

*** . دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره نوزدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷، ص ۲۷-۶۷

مقدمه

بسیاری افراد پیشرفت تحصیلی و تحصیلات دانشگاهی را عامل پیشرفت و داشتن زندگی راحت و بی‌دغدغه می‌دانند، از این رو تمام تلاش خود را صرف مهیاسازی شرایط ادامه تحصیل فرزندان‌شان می‌کنند. طبقات پایین و متوسط به مقوله پیشرفت و موفقیت تحصیلی به عنوان نوعی رفتار جبرانی مثبت می‌نگرند که برتری‌های ایمنی‌ساز را افزایش می‌دهد و آن‌ها را در رقابت با مقوله برتر ثروت در طبقه‌های بالا جلو می‌اندازد و دسترسی به شغل، دیگر مقوله پایگاه اجتماعی که سلطه‌آفرین نیز است را قابل وصول می‌سازد (جلالی، ۱۳۸۶: ۱۸). به دلیل توزیع نابرابر فرصت (بخت)‌های زندگی^۱ در طبقات مختلف جامعه، همه داوطلبان بخت برابر برای ورود به دانشگاه را ندارند. دانش‌آموزان طبقات بالا با در اختیار داشتن فرصت‌های بیشتر نسبت به طبقات پایین جامعه از عملکرد تحصیلی بهتری برخوردارند. درمقابل، دانش‌آموزان طبقات پایین به علت عدم فرصت‌ها، شانس کمتری برای پیشرفت دارند. بسیاری از پژوهشگران علوم اجتماعی و علوم تربیتی بر این باورند که با افزایش درآمد و فرصت، دسترسی دانش‌آموزان به امکانات آموزش مدرسه‌ای و موفقیت تحصیلی بیشتر می‌شود. با وجود تایید گزاره‌های فوق در بسیاری از نظام‌های آموزشی، به نظر می‌رسد در نظام آموزشی ایران متغیرهای واسط دیگری وجود دارند که در نوع و میزان این رابطه تأثیرگذارند (تشویق، ۱۳۹۲: ۶). مشاهدات روزمره بیانگر آن است که بسیاری از پذیرفته‌شدگان دانشگاهی از میان خانواده‌های قشر متوسط و پایین جامعه هستند. این امر می‌تواند پیش‌فرض اولیه را به چالش کشیده و در دقت و صحت آن در جامعه ایران تردید ایجاد کند.

طرح مسئله و اهمیت تحقیق

در تمام دنیا دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه از صافی‌هایی عبور می‌کنند، این صافی‌ها بستگی به نوع نظام آموزشی کشورها دارند (خدابنده اوپلی، ۱۳۹۱: ۲۱۳). یکی از شرایط اصلی ورود به دانشگاه در ایران، کسب نمره کل بالا و رتبه مناسب در آزمون سراسری است. از سال ۱۳۴۳ که اولین آزمون کنکور در ایران برگزار شد تاکنون ۵۲ کنکور برگزار شده است.^۲ در آخرین آزمون در

1. Life Chance

۲. تاریخ برگزاری نخستین آزمون ورود به دانشگاه‌ها در ایران به سال ۱۳۱۷ می‌رسد یعنی زمانی که تعداد داوطلبان از ظرفیت پذیرش آن‌ها پیش افتاد که این آزمون به شکل تشریحی برگزار شد. از سال ۱۳۴۳ کنکور به شیوه سؤالات تستی برگزار شد. با افزایش سریع جمعیت و گسترش پذیرش دانشگاه‌ها در اواخر دهه ۶۰ و نیز با بالا رفتن سطح فرهنگ عمومی و تبدیل شدن آموزش دانشگاهی به یک ضرورت عام، تلاش برای ورود به دانشگاه شکل حساس‌تری به خود گرفت (مردیها: ۵).

سال ۱۳۹۵، تعداد ۸۶۰۱۰۹ نفر شرکت کردند. هرساله تعداد زیادی از دانش آموزان دغدغه پذیرفته شدن در رشته‌های مطرح و دانشگاه‌های معتبر را در ذهن می‌پروراندند. قبولی در این آزمون نقطه امیدی برای بسیاری است تا بتوانند تحرک اجتماعی یافته و موقعیت اجتماعی‌شان را بهبود بخشند. خانواده‌هایی با سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سبک‌های متفاوت زندگی به روش‌های گوناگون با این چالش برخورد می‌کنند. در این رقابت خانواده‌های طبقات بالا از تمام امکانات موجود برای پذیرش فرزندان خود، نظیر ثبت‌نام فرزندان‌شان در مدارس و کلاس‌های خصوصی^۳، کلاس‌های کنکور و ثبت‌نام در مدارس غیرانتفاعی استفاده می‌کنند. در مقابل خانواده‌های طبقه پایین از فراهم ساختن بسیاری از این امکانات ناتوانند.

وضعیت اقتصادی اجتماعی افراد نه تنها عامل بالقوه‌ای در تعیین سطح آرزوها برای ادامه تحصیلات دانشگاهی است بلکه نوعی جهت‌گیری حرفه‌ای برای آنان قلمداد می‌شود. افرادی که در وضعیت نابسامان اجتماعی و اقتصادی قرار دارند و از طبقه کم درآمد جامعه هستند، اصرار دارند رشته‌هایی را انتخاب کنند که برای آن‌ها تحرک اجتماعی به همراه داشته باشد (کلی و سی ۲۰۰۲ به نقل از عنایتی نوین فر، ۱۳۹۱: ۱۴۷). در دیدگاه اغلب افراد جامعه پذیرش در رشته‌های مطرح باعث ارتقاء در موقعیت طبقاتی است. البته انسان‌ها همواره در پی ارضاء بهتر نیازها و در نتیجه از این طریق در پی ارتقاء هستند و این موضوع در همه کشورها و همه جوامع به چشم می‌خورد. اما میزان این تمایل متفاوت است. در مقایسه با کشورهای دیگر، در نظام ارزشی جدید جامعه ما تحصیلات بیش از حد با ارزش تلقی می‌شود (رفیع پور، ۱۳۸۱: ۱۵۵). البته تبلیغ زندگی اشرافی و فرهنگ مصرف از رسانه‌ها به ولع ارتقا و تحرک دامن زده و جوانان را تحریک می‌کند تا با رقابت در کنکور و قبولی در دانشگاه‌های معتبر و رشته‌های مطرح بتوانند زندگی اشرافی را برای خود شکل دهند. در واقع، در شرایط کنونی پذیرفته شدن در دانشگاه‌های معتبر و رشته‌های مطرح یکی از پیش فرض‌های ضروری برای زندگی مرفه به حساب می‌آید. در این راستا پاسخ‌گویی به پرسش زیر مسئله اساسی پژوهش حاضر است: آیا در جامعه ایران طبقات پایین جامعه به میزان طبقات بالا در رشته‌های مطرح و دانشگاه‌های معتبر پذیرفته می‌شوند؟

1. www.mehrnews.com

2. Social location

۳. در سال ۱۳۶۵ در ایران، به گشایش مدرسه خصوصی اقدام شد. مداری که در مقایسه با مدارس دولتی از مزایایی زیر برخوردار بودند: توسعه فضای آموزشی و تفریحی، تمهید وسایل کمک آموزشی، جمعیت کلاسی کمتر، معلمان مجرب، تعامل بیشتر معلم با دانش آموز و معلم با والدین. این مدارس یادگیری درسی را به نحو مطلوبی ارتقاء دادند. (اقتباس از جلالی، ۱۳۸۶: ۳۶).

بررسی پیشینه تجربی تحقیق

مروری بر تحقیقات تجربی داخل و خارج از کشور درباره عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی و به صورت خاص پذیرش در کنکور می‌تواند راه‌گشای تحقیق در این حوزه باشد. مطالعات زیادی درخصوص موضوع پژوهش انجام شده است که به مواردی چند اشاره می‌شود.

کاظم رسول زاده طباطبایی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی مقایسه‌ای IQ، خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانشجویان با استعداد (بالای ۲/۵ انحراف معیار) و عادی» با مقایسه نتایج حاصل از دو گروه نشان داد: الف) میانگین بهره هوش دانشجویان استعدادهای درخشان و عادی به ترتیب برابر با ۱۱۲،۴ و ۱۰۴ به دست آمده که این تفاوت معنی‌دار بود. ب) ۷۰ درصد باهوش‌ها (IQ بالای ۱۱۵) دارای نمره کنکور بالای ۱۰ هزار هستند و ۲۵،۵ درصد آنان نمره بین ۹ هزار تا ۱۰ هزار و ۴،۵ درصد آنان نمره کمتر از ۸ هزار دارند. ج) از کل دانشجویان خلاق ۵۸ درصد مربوط به گروه فنی و مهندسی و ۴۲ درصد مربوط به گروه علوم انسانی بودند. د) معدل کل واحدهای گذرانده شده دانشجویان استعداد درخشان و عادی به ترتیب ۱۵،۸۷ و ۱۴،۷ بود. ه) دانشجویان دختر در مقایسه با پسران پیشرفت تحصیلی بهتری داشتند. بهروزی و محمدی (۱۳۸۷) در پژوهشی پیمایشی با عنوان «رابطه معنای زندگی و امیدواری در دانشجویان دانشگاه شیراز» به این نتیجه رسیدند که بین دختران و پسران از لحاظ میزان امیدواری تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به دیگر سخن، دختران از لحاظ میزان امیدواری نسبت به پسران نمره بیشتری کسب کردند. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که بین امیدواری دانشجویان رشته علوم پایه و علوم انسانی تفاوت معنی‌داری به دست نیامد. هر چند که در آمار توصیفی میانگین دانشجویان علوم انسانی نسبت به دانشجویان علوم پایه کمی بیشتر بود. محمدتقی رفیعی (۱۳۸۹) در تحقیقی پیمایشی با عنوان «تأثیر سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی بر موفقیت در آزمون سراسری ورود به دانشگاه» با هدف تعیین سهم سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در احتمال موفقیت در کنکور، به این نتیجه دست یافت که بالا بودن سرمایه‌های سه‌گانه نزد خانواده‌های داوطلبان، احتمال موفقیت آن‌ها در ورود به دانشگاه‌ها را افزایش می‌دهد. خانم آسیه محمد زاده (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی وضعیت امنیت غذایی و مصرف مواد غذایی دانش آموزان دبیرستانی شهر اصفهان» به این نتیجه رسید که در بین خانوارهای دانش آموزان دبیرستانی شهر اصفهان ناامنی غذایی شیوع بالایی دارد. همچنین مصرف مواد غذایی ارزان قیمت با چگالی بالای انرژی در دانش آموزان گروه ناامن غذایی به طور معناداری بالاتر از دانش آموزان گروه امن غذایی بود که این عامل بر نتایج تحصیلات دانش آموزان تأثیر گذار بود. ابراهیم ولی‌زاده (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر طبقه اجتماعی بر تحصیلات» به بررسی عوامل تشدید بازتولید طبقه درسه بعد درونی، بیرونی نابرابری و فراتر از این دو عامل، یعنی سیاست-گذاری یا سیاست‌گذاران آموزش و پرورش پرداخت. یافته‌ها نشان داد که علیرغم حجم-

شدن سیستم آموزش و پرورش در سطح جهان، چه از لحاظ کیفی و کمی تفاوت‌های طبقه در کسب موفقیت و فرایند یادگیری به طور نسبی در قرن بیست و یکم پایدار باقی مانده است. و علیرغم تلاش جهت تعدیل ساختاری و تغییر سیاست گذاری‌های آموزش و پرورش، نه تنها نابرابری کاهش نیافته، بلکه به ماشین محرک تشدید باز تولید طبقاتی تبدیل شده است و این وضعیت بیشتر توسط عوامل بیرونی تحصیلات از قبیل پایگاه اقتصادی-اجتماعی، نگرش‌ها، رفتارها و فرهنگ طبقه‌ای قوام یافته است.

علی عنایتی نوین فر (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی مقایسه‌ای عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان دانشکده‌های فنی و مهندسی و روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران» با تحلیل آزمون t تک نمونه‌ای در بین دانشجویان فنی و مهندسی نشان داد عوامل اقتصادی (۳/۹۹) و فردی (۳/۰۷) بالاتر از حد متوسط و عوامل اجتماعی (۲/۱۸)، کنکور سراسری (۲/۳۷) و عوامل موسسه‌ای_آموزشی (۲/۷۴) کمتر از حد متوسط در انتخاب رشته تحصیلی آنان تاثیر داشته است. در بین دانشجویان علوم تربیتی نیز عوامل اقتصادی (۲/۶۳) کمتر از حد متوسط، عوامل کنکور سراسری (۳/۸۲) بیشتر از حد متوسط، عوامل اجتماعی (۳/۰۲)، موسسه‌ای (۳/۰۹) و فردی (۲/۹۱) در حد متوسط در انتخاب رشته تحصیلی آنان تاثیر داشته است. نتایج نشان داد که عوامل تاثیرگذار بر انتخاب دانشجویان رشته فنی و مهندسی به ترتیب عوامل اقتصادی، عوامل فردی، موسسه‌ای-آموزشی، کنکور سراسری و عوامل اجتماعی-فرهنگی و عوامل تاثیرگذار بر انتخاب دانشجویان رشته روانشناسی و علوم تربیتی به ترتیب عوامل کنکور سراسری، موسسه‌ای، اجتماعی-فرهنگی، فردی و اقتصادی بود. افزون بر این، در میان عوامل پنج گانه بین دو گروه تفاوت معناداری مشاهده شد. طاهره آقا میرزایی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان - مطالعه موردی دانشگاه علوم و فنون مازندران» به این نتیجه دست یافت که بین متغیرهای رتبه کنکور سراسری، معدل پیش‌دانشگاهی، علاقه به رشته تحصیلی، وضعیت والدین، و شاغل بودن و تجربه عاطفی با پیشرفت تحصیلی رابطه معنا دار وجود دارد. همچنین مشاهده شد که دانشجویان دختر در مقایسه با پسران از عملکرد تحصیلی بهتری برخوردارند. و همچنین بین رتبه کنکور، معدل پیش‌دانشگاهی، علاقه، تجربه عاطفی دانشجویان ممتاز و مشروط تفاوت معنی داری وجود داشت. در پژوهشی محمدباقر علیزاده اقدام (۱۳۹۱) «بررسی میزان امید به آینده در بین دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن» به این نتیجه دست یافت که میزان امید به آینده در بین دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی متفاوت است. همچنین نتایج تحقیق نشان داد با این‌که امید به آینده بر عملکرد تحصیلی دانشجویان مؤثر است، ولی از بین ویژگی‌های عمومی و فردی آنان فقط سن به صورت خیلی ضعیف با آن ارتباط داشت. فریبا بیگی (۱۳۹۱) در پژوهشی توصیفی با عنوان «بررسی ارتباط سرمایه فرهنگی بانگیزه ورود به دانشگاه و عملکرد تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان» به این نتیجه رسید که سرمایه فرهنگی نقش بسیار تأثیر گذاری بر انگیزه

ورود دانشجویان به دانشگاه و عملکرد تحصیلی آنان ایفا می‌کند. در پژوهش علی رضا عظیم پور (۱۳۹۳) با عنوان «مقایسه هوش‌بهر دانشجویان بر اساس رشته تحصیلی و جنسیت در دانشگاه سلمان فارسی کازرون» نشان داد که، نتایج اجرای آزمون T برای گروه‌های مستقل تفاوت بهره هوش، بین دانشجویان پسر و دختر را رد کرد. اما پیش‌فرض دوم مبنی بر این که دانشجویان رشته‌های کمتر محبوب از دانشجویان رشته‌های محبوب دارای ضریب هوشی پایین‌تری هستند، تأیید شد. دانشجویان رشته‌های کمتر محبوب علاقه کمی به رشته خود داشته و تمایل زیادی داشتند در صورت امکان تغییر رشته بدهند. امین حیدریان (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان» به این نتیجه رسید که بین متغیرهای جنسیت، نوع دانشگاه، آگاهی و اطلاعات عمومی خانواده، تأثیر پذیری از گروه مرجع و پایگاه اقتصادی-اجتماعی والدین با پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری وجود ندارد. در عوض دو متغیری که بورديو آنها را مورد توجه قرار نداده است یعنی مشارکت آموزشی و فرهنگی و بهره‌گیری از رسانه‌های ارتباط جمعی جزو متغیرهای اثر گذار بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان هستند. پژوهش دی ماگیو و همکارانش (۱۹۹۸) در خصوص سرمایه فرهنگی و موفقیت آموزشی آنان نیز نشان داد که سرمایه فرهنگی خانواده‌ها، منابع و کالاهای فراهم شده، بر موفقیت آموزشی فرزندان اثرات قابل توجهی دارد. دانش‌آموزانی که والدین‌شان مشاغل تخصصی و تحصیلات دانشگاهی دارند، چهار برابر بیش از دانش‌آموزانی که والدین‌شان مشاغل کارگری داشتند، به دانشگاه راه می‌یافتند. سان^۱ (۱۹۹۹) نیز نشان داد که سرمایه اجتماعی با پیشرفت تحصیلی ارتباط مستقیمی دارد. کسانی که سرمایه اجتماعی بالاتری دارند از عملکرد بهتری در آموزش برخوردارند. سرمایه اجتماعی و فرهنگی یکی از مهم‌ترین متغیرهایی است که نقش موثری در نتایج تحصیل دارد. لین، وندرگاگ و اشنايدر (۲۰۰۱) در بررسی تأثیر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی با پیشرفت تحصیلی به این نتیجه دست یافتند که افراد با سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی (حمایت والدین، استفاده از مشاوره، ارتباط با دوستان موفق و...) نقش موثری در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارد. لین در این تحقیق این گزاره را بیان کرد که دسترسی به پیوندهای اجتماعی و استفاده از آنها سبب می‌شود دانش‌آموزان به منابع ارزشمند و نهادی^۲ (افراد) هستند که منابع و فرصت‌ها را به دیگران منتقل می‌کنند) دست یابند که قبلاً در اختیار نداشتند. این عاملان نهادی می‌توانند به انحای مختلف به پیشرفت دانش‌آموزان منجر شوند (لین: ۲۰۰۱). اشنايدر و همکاران^۴ (۲۰۰۲) «در بررسی رابطه بین امید و پیشرفت تحصیلی» که به صورت مطالعه طولی ۶ ساله انجام گرفت به این نتیجه دست

-
1. Sun, Y
 2. Embedded Resource
 3. Lin
 4. Snyder et al

یافتند که سطح بالای امید، پیش‌بینی کننده‌ی عملکرد تحصیلی بالا در طول دوران دانشگاه و میانگین کلی نمره‌ها، فارغ‌التحصیلی سریع‌تر از دانشگاه و ترک تحصیلی پایین به دلیل نمره‌های پایین است. بر اساس نتایج این تحقیق دانشجویانی که دارای سطوح بالاتر امیدواری هستند، بیشتر بر هدف‌های خود متمرکز می‌شوند. و از انگیزه بیشتری، نسبت به همتایان خود برخوردارند. همچنین، این افراد دارای پشتکار و عزم جدی در انجام فعالیت‌ها هستند. زیرا معتقدند که تلاش منجر به پیشرفت و رضایت آن‌ها می‌شود (به نقل از محبی: ۱۳۹۳، ۴۵). نری و ویلی (۲۰۰۸) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که هر چند تغییر پذیری زیادی در سرمایه فرهنگی دانش‌آموزان وجود دارد، اما بین سرمایه فرهنگی و پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری به دست نیامد. ولی بین سرمایه اجتماعی با بهزیستی و سلامت روانی ارتباط معنادار بود (به نقل از مومنی، ۱۳۹۲: ۱۲۱). زاگر^۱ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «سرمایه تحصیلی والدین و موفقیت تحصیلی» با استفاده از داده‌های مطالعات طولی سراسری از جوانان (کودکان و نوجوانان) در کشور دانمارک تأثیر سرمایه فرهنگی دانش‌آموزان ۶ تا ۱۴ ساله (نه خانواده‌های آن‌ها) را با موفقیت تحصیلی آن‌ها سنجید. نتایج نشان داد که سرمایه فرهنگی دانش‌آموزان بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر داشت ولی تأثیر آن بسیار کمتر از مقداری است که تحقیقات دیگر نشان می‌دهد. این تحقیق نشان می‌دهد که مقدار تأثیر سرمایه فرهنگی در مکان‌ها و موقعیت‌های مختلف اثر یکسانی نخواهد داشت. کرای کمپ و ایک^۲ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «بازتولید سرمایه فرهنگی بین نسلی: دیدگاه سه گانه» که با توجه به نظریه سرمایه فرهنگی انجام دادند، نشان می‌دهند که بین حالت مختلف سرمایه فرهنگی والدین (سرمایه فرهنگی تجسم یافته، عینیت یافته و نهادینه شده) و انتقال منابع فرهنگی به فرزندان رابطه معنادار وجود دارد. همچنین این پژوهش نشان می‌دهد که انتقال منابع فرهنگی در طول زمان با تغییراتی همراه است. حبیب‌الله نادری و همکاران (۲۰۱۰) «در پژوهشی با عنوان بررسی میزان هوش (شناختی) و پیشرفت تحصیلی: کندوکاوی در تفاوت جنسیتی» که به پیشرفت تحصیلی افراد در دانشگاه با توجه به میزان بهره هوشی از دیدگاه تفاوت‌های جنسیتی می‌پردازند. نتایج نشان داد که بین هوش دانشجویان (دختر و پسر) تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین تحلیل همبستگی آزمون پیرسون نیز نشان داد که رابطه معناداری میان بهره هوش و پیشرفت تحصیلی در میان مردان و زنان دانشجویان وجود ندارد. کدی^۳ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «اهمیت امنیت غذایی برای دانشجویان» به صورت توصیفی به اهمیت امنیت غذایی در دانشگاه‌های آمریکا پرداخت. او ناامنی غذایی را تهدیدی برای موفقیت تحصیلی در مدارس و دانشگاه‌ها می‌داند که

1. Jaeger, Mads Meier
2. National Longitudinal Survey of Youth-children and young Adults.
3. Kraaykamp & Ejick
4. Clara L. Cady

موجب افت تحصیلی دانشجویان می‌شود. واروارا و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «هوش و توانایی‌های شناختی به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده مهم از موفقیت تحصیلی» پی بردند که نقش مهم خودنظارتی آگاهانه، هوش و ویژگی‌های شناختی در پیش‌بینی موفقیت تحصیلی بسیار تأثیرگذار است. خودنظارتی آگاهانه^۱ به همراه هوش شناختی به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده مهم از موفقیت تحصیلی شناخته شدند. در طول دو بررسی انجام شده، در بررسی شماره ۱ مشاهده شد، سطح کلی خودنظارتی بر فعالیت‌های یادگیری و ویژگی‌های خاص نظارتی پیش‌بینی‌کننده‌های مهمی از انواع مختلف موفقیت‌ها در رشته ریاضی است. بر اساس شواهد بررسی دوم، خودنظارتی آگاهانه و هوش می‌توانند پیش‌بینی‌کننده موفقیت تحصیلی در رشته‌های علوم انسانی، ریاضی، و علوم تجربی باشد. لارا کیم^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «رابطه بین امنیت غذایی و پیشرفت تحصیلی در ایالت متحده» نشان داد میان سیاست‌های حمایتی دولت، وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده، تعداد اعضای خانواده، تاهل، تغییرات در وضعیت تاهل (تک والدی و...) با امنیت غذایی خانواده رابطه معناداری وجود دارد. اما میان امنیت غذایی و آزمون‌های پیشرفت تحصیلی (هوش) رابطه معناداری به دست نیامد.

مرور پیشینه پژوهش حاکی از تأثیر متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی (اخلاق کار، امید)، امنیت غذایی و هوش بر پیشرفت تحصیلی است. هر چند تأثیر این متغیرها در همه پژوهش‌ها یکسان نیست. برای مثال (روان بخش، عنایتی و بیکی) نشان می‌دهند که ارتباط چندانی بین سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی با موفقیت تحصیلی وجود ندارد، درحالی‌که تحقیقات (ولی زاده، رفیعی، کرای کمپ و ایک، لین) نشان می‌دهند که بین طبقه و سرمایه فرهنگی و پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد. نتیجه برخی تحقیقات (رفیعی، ولی زاده) وجود هر سه نوع سرمایه-اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی-را در جهت پیشرفت تحصیلی مهم ارزیابی کرده‌اند، در حالی که پژوهش‌های (حیدریان، نری و ویلی، ژاگر) حاکی از نبود رابطه بین انواع سرمایه‌ها و پیشرفت تحصیلی است. از این رو به نظر می‌رسد که پیشرفت تحصیلی وابسته به شبکه پیچیده‌ای از عوامل است، و بعید به نظر می‌رسد که تغییر در یک عامل به تغییر نمرات آزمون دانش آموزان منجر شود

مبانی نظری پژوهش

پی یربوردیو^۳ (۱۹۳۰-۲۰۰۲) یکی از پیشروان حوزه نظریه‌پردازی است و علایق بسیار گسترده و سبک مشخص خاص خود را داراست (جلانی‌پور و محمدی، ۱۳۹۴: ۳۱۵). بوردیو با تلفیق ایده‌های

۱. خودنظارتی آگاهانه (Conscious Self-regulation) راهبردهای ویژه برای کسب اهداف تحصیلی، براساس تصورات خود کار آمدی شخصی است.

2. Laura Kim
1. Pierre Bourdieu

مارکس و وبر نظری جامع در باب طبقات اجتماعی ارائه کرد. نظریه او به نحو تحسین برانگیزی این هر دو را در یک نظام نظری منسجم تلفیق کرده است^۱ (شالچی، ۱۳۸۶: ۸). از دیدگاه او منبع نابرابری در جامعه بیشتر ماهیت فرهنگی دارد تا اقتصادی و فاصله بین فرهنگ مدرسه و خاستگاه اجتماعی-اقتصادی کودک، عامل مهمی در تعیین موفقیت کودک در نظام آموزشی محسوب می‌شود (باینگانی و کاظمی، ۱۳۸۹: ۱۰). از نظر او در جوامع مدرن مدرسه و نظام آموزش و پرورش مهم‌ترین عامل بازتولید طبقات اجتماعی است (نش^۲، ۱۹۹۰: ۴۳۲). بورديو معتقد است که بازتولید فرهنگی^۳ (ناشی از آموزش و پرورش) یکی از مهم‌ترین راه‌هایی است که از آن طریق ساختار طبقاتی بازتولید می‌شود. به عبارت دیگر بازتولید اجتماعی از طریق نهادهای آموزشی صورت می‌گیرد (شارع پور، ۱۳۸۶: ۸۴). او معتقد است که درجه بالای موفقیت تحصیلی به دست آمده توسط کودکان طبقات بالا و متوسط به خاطر تطابق فرهنگی میان محیط خانوادگی که این کودکان در آن پرورش می‌یابند با فرهنگ مدرسه است. کودکان متعلق به زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی مسلط، در منزل غالباً در معرض فعالیت‌های فرهنگی بلند مرتبه قرار می‌گیرند (همسو با مدرسه) و آن‌هایی که سرمایه فرهنگی را در منزل کسب می‌کنند احتمالاً در مدرسه موفق ترند و در نتیجه بخت بیشتری برای رسیدن به سطوح بالای آموزش در مقایسه با دیگران دارند. و بسیاری از مشکلات تجربه شده توسط کودکان طبقات پایین به خاطر این است که آنان با عناصر فرهنگی جدیدی (فرهنگ بلند مرتبه) مواجه می‌شوند که در محیط خانوادگی به آنان معرفی نشده است (تشویق، ۱۳۹۲: ۶). از همین مسیر فرضیه مهم سرمایه فرهنگی و بازتولید طبقاتی خلق می‌شود. بنا به گفته بورديو، نظام‌های آموزشی جوامع صنعتی در جهت نابرابری‌های طبقاتی مشروع عمل می‌کنند. موفقیت در نظام آموزشی با کسب سرمایه فرهنگی و عادت واره طبقاتی بالا تسهیل شده است. دانش آموزان طبقه پایین معمولاً این ویژگی‌ها را تصاحب نمی‌کنند، بنابراین عدم موفقیت بیشتر این دانش آموزان حتمی است. از نظر بورديو نظام آموزشی موجود نظام حذفی است (نوغانی، ۱۳۸۶: ۸۰). هر چند دسترسی به آموزش عالی با توجه به افزایش تقاضا، روزافزون بوده است، اما این افزایش کمی، ارزش تحصیلات را کاهش داده و طبقات پایین با نداشتن بخت دسترسی به شغل مناسب و

۱. بورديو می‌گوید "من به نوبه خود با متفکرین گذشته روابط پراگماتیک داشته‌ام و در مواقع دشوار از آنان کمک گرفته‌ام، محققینی چون مارکس، وبر، دورکیم و دیگرانی که فضای تئوریک ما و همچنین ادارک ما از این فضا را شکل داده‌اند" (زنجانی زاده: ۱۳۸۳، ۲۶).

3. Nash

۳. بورديو در کتاب وارثان (۱۹۶۴) با استناد به آمارهای موجود متذکر می‌شود که فرصت راهیابی به دانشگاه بر اساس شغل پدر فرد، حاکی از آن است که پسر متعلق به مشاغل عالی رتبه ۸۰ برابر پسر مزدبگیر کشاورزی، ۴۰ برابر پسر یک کارگر و دو برابر پسر یک فرد طبقه متوسط شانس ورود به دانشگاه دارد (به نقل از موید حکمت: ۱۵۷، ۱۳۹۲).

فیلترهای مختلفی که وجود دارد عملاً در سلسله مراتب اجتماعی از تحرک عمودی باز می‌مانند و این امر به طرد طبقات پایین منجر می‌شود و در مفهوم بورديو آنان شبیه افراد "بیگانه در داخل" هستند. به طور کلی از نظر بورديو راهبرد محوری تحصیلات، استراتژی بازتولید است که سایر راهبردها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (توسلی، ۱۳۸۳: ۲۱). امتحان‌ها، نمره‌ها و در پایان مدرک تحصیلی به فرهنگ مدرسه‌ای فرد و فرهنگ اجتماعی او مشروعیت می‌دهد و به طبقه‌های برتر جامعه امتیازات بیشتر می‌دهد. اما با همه اهمیت که نظریه بورديو داراست در این میان نباید راهبرد بازاندیشی عاملان را از نظر انداخت، مراد از بازاندیشی، فرایند تعریف و بازتعریف خود از طریق مشاهده و تأمل در اطلاعات درباره مسیرهای ممکن زندگی است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۴۴). چرا که در بازاندیشی افراد راهبردها را بررسی کرده و استراتژی‌هایی را بر می‌گزینند که آن‌ها را به اهدافشان نزدیک‌تر سازد. استراتژی‌هایی که می‌تواند باعث بهبود وضعیت فعلی آنان شود. به نظر می‌رسد استراتژی‌هایی که دانش آموزان برای قبولی در کنکور به کار می‌برند متفاوت تر از استراتژی‌هایی باشد که بورديو بیان می‌کند و گویا این راهبردها از نظر او غایب مانده اند. در پژوهش پیش رو این راهبردها به عنوان متغیر واسطه ظاهر شده‌اند تا نشان دهند آیا طبقات پایین می‌توانند از این راهبردها به عنوان میکانیسم‌های جبران بهره گیرند؟ راهبردهایی که دانش آموزان می‌توانند برای موفقیت در کنکور از آن‌ها بهره گیرند عبارتند از:

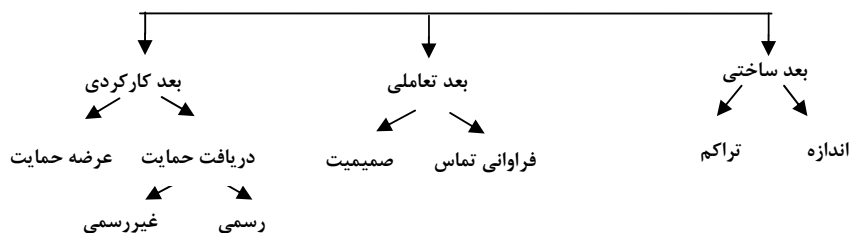
الف) سرمایه اجتماعی شبکه‌ای

بر اساس دیدگاه شبکه، روابط و پیوندها به عنوان سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند و فرد از طریق آن‌ها به منابع و حمایت‌های موجود در شبکه دسترسی می‌یابد. در مفهوم سرمایه اجتماعی با توجه به سطح بازگشت بازده به فرد یا گروه دو دیدگاه مطرح است که انعکاس دهنده دو سطح فردی و جمعی می‌باشد. دیدگاه اول که تمرکز بر استفاده از سرمایه اجتماعی به وسیله افراد است و این که افراد چگونه به منابع جای گرفته در شبکه‌ها دست می‌یابند. و از آن برای به دست آوردن سود و یا بازده در کنش‌های ابزاری (یافتن شغل بهتر) و محافظت از بازده در کنش‌های اظهاری (موقعیت موجود) استفاده می‌کنند. این نوع سرمایه به عنوان سرمایه اجتماعی شبکه مطرح می‌باشد. دیدگاه دوم به استفاده از سرمایه اجتماعی در سطح گروه توجه دارد و علاقه اصلی آن بررسی عناصر و فرایندهای تولید و حفظ دارایی جمعی است. و علاقه دیگرش این است که چگونه هنجارها و اعتماد مثل دارایی‌های دیگر در تولید و حفظ دارایی‌های جمعی نقش دارند (چلبی، ۱۳۷۳: ۱۲). در سطح گروهی، سرمایه اجتماعی به عنوان یک کالا و دارایی جمعی نمود می‌یابد. به این شکل که منابعی مانند هنجارها و ارزش‌ها (اعتماد به دیگر، مشارکت کردن و...) به صورت از پیش موجود در جامعه وجود دارند که افراد می‌توانند برای رسیدن به اهداف خود از آن استفاده کنند. کلمن که به سرمایه اجتماعی به صورت ساختاری توجه دارد معتقد است سرمایه اجتماعی شیئی واحد نیست

بلکه انواع چیزهای گوناگون است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آن‌ها جنبه‌ای از ساخت اجتماعی هستند و کنش معین افراد را که درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند (بوستانی، ۱۳۹۰: ۱۴). در روش تحلیل شبکه، توجه اساساً به کم و کیف و شکل و محتوای روابط و آرایش آن‌ها است. باید گفت که در تحلیل شبکه به کنشگران توجه اندکی می‌شود و اغلب توجه به رابطه ساختار-ها معطوف است، از این لحاظ شاید نظریه شبکه را بتوان مطالعه ساخت‌ها دانست (سفیری، ۱۳۹۲: ۶۵). لین معتقد است که جامعه‌شناسی، علمی است که به مطالعه گزینش روابط اجتماعی می‌پردازد. سرمایه اجتماعی از نظر لین سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی است با انتظار بازگشت آن در بازار (بوستانی، ۱۳۹۰: ۱۱). او در بحث سرمایه اجتماعی به اهمیت استفاده از پیوندها و روابط اجتماعی در رسیدن به اهداف تاکید می‌کند. این نوع سرمایه اجتماعی که سرمایه اجتماعی شبکه-ای نامیده می‌شود، بر منابع ابزاری و حمایتی متنوع و موجود در شبکه، که با سرمایه‌گذاری افراد در روابط اجتماعی و دستیابی به پیوندهای اجتماعی به دست می‌آید متمرکز است (صالحی، ۱۳۸۶: ۳۰). برخی محققان خصوصیات شبکه را در سه بعد طبقه‌بندی کرده‌اند (ارشادی، ۱۳۸۸: ۴۵).

- خصوصیات ساختی: سایز، تراکم، ترکیب
- خصوصیات تعاملی: شیوه تماس، فراوانی تماس، صمیمیت، دوام رابطه
- خصوصیات کارکردی: انواع حمایت

ابعاد سرمایه اجتماعی شبکه‌ای



حمایت اجتماعی یکی از موضوعاتی است که مورد توجه تحلیل‌گران شبکه قرار گرفته است. به طور مکرر در ادبیات مربوط به دریافت حمایت اجتماعی، دو نوع حمایت مطرح شده است: (۱) حمایت اجتماعی رسمی (۲) حمایت اجتماعی غیر رسمی. منظور از حمایت اجتماعی، کمک یا حمایتی است که مردم به‌عنوان موجودیت‌ها از طریق کانال‌های ارتباطی‌شان با شبکه‌های اجتماعی دریافت می‌کنند (سفیری، ۱۳۹۲: ۶۱). در مطالعه نابرابری آموزشی تاکید تحلیل شبکه‌ای بر این است که چگونه موفقیت در نظام آموزشی، به خصوص برای کودکان طبقات پایین اجتماعی و گروه‌های اقلیت، بستگی به برقراری رابطه حمایتی، با عاملان نهادی دارد (شارع پور، ۱۳۸۶: ۱۷۰). عاملان نهادی می‌توانند در انتقال مطالب درسی، بیان شرایط لازم برای موفقیت آموزشی، کمک به

تصمیم‌گیری تحصیلی یا شغلی، اطلاع‌رسانی در مورد امکانات موجود در مدرسه‌ها جامعه و همچنین نحوه دست‌رسی به این امکانات تأثیر گذار باشند.

ب) اخلاق کار^۱

در فرهنگ انسانی، کار نیرویی در مسیر به کمال رساندن انسان از حالت قابلیت به فعلیت به شمار می‌آید. به عبارتی می‌توان بیان کرد که هر فعلی که در جهان صورت گیرد کار است و از نظر اقتصادی هر فعالیتی که به تولید یا عرضه کالا و خدمات منجر شود و منافع مالی را به دنبال داشته باشد کار محسوب می‌شود (فرشچی، ۱۳۹۴: ۱۷۵). فرهنگ کار ارزش‌هایی است که گروه معین دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند و کالای مادی تولید می‌کنند (اردشیری، ۱۳۸۱: ۳). قرار گرفتن واژه اخلاق در کنار کار از این رو است که اخلاق به‌عنوان تنظیم‌کننده روابط انسان‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است. چرا که به‌عنوان نظامی درونی، بدون آنکه نیاز به اهرم‌های بیرونی داشته باشد، قادر است عملکردهای اخلاقی را در کارکنان تضمین نموده و نظام اخلاقی به‌وجود آورد، به دیگر سخن چه ارزش‌هایی در وجود افراد درونی شده است. اخلاق کار قواعد و زمینه‌های برانگیزاننده و فعال شده تعهد ذهنی، روانی و فیزیکی فرد یا گروه است (کاپیان، ۱۳۸۴: ۴۵). مهم‌ترین نکته‌ای که در تعریف اخلاق کار باید در نظر گرفت، این است که اخلاق کار به مثابه یک عامل برای انجام درست کار است. به‌عبارت دیگر، انجام درست کار می‌تواند متأثر از عوامل گوناگونی چون تشویق، تنبیه و کنترل خارجی باشد و ممکن است متأثر از اخلاق کار باشد. به این ترتیب، می‌توان چنین تعریف کرد: اخلاق کار عاملی است که سبب می‌شود فرد بدون وجود هیچ کنترل خارجی و فیزیکی و به انگیزه درونی، از هیچ کوششی برای انجام خوب و درست کاری که بر عهده او گذاشته شده است، فروگذار نکند (رحیمی، ۱۳۹۱: ۴). نهادینه شدن اخلاق کار بر اساس موقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی افرادی که در طبقات مختلف زندگی می‌کنند می‌تواند اشکال متفاوتی به خود گیرد. نهادینه شدن اخلاق کار می‌تواند به عنوان ارزش و اهرمی برای بهبود جایگاه اجتماعی و دست یافتن به تحرک اجتماعی تلقی شود (وکیلی: ۳).

جدول شماره (۱) آثار فرهنگ کار (اقتباس از حبیبی: ۱۳۸۲)

نتایج اخلاق کار	
وجه مثبت (قوی)	وجه منفی (ضعیف)
تمایل به انجام کار زیاد و با انگیزه	نداشتن تمایل به انجام کار-کم کاری
نشاط و سرزندگی	رخوت، سستی و کم حوصله‌گی
نداشتن استرس مخرب در حین کار	ابتلا به استرس مخرب و عوارض ناشی از استرس از قبیل ارتباطات نامتعادل اجتماعی

1. Ethic of responsibility

نتایج اخلاق کار	
مقاومت یا بی تفاوتی نسبت به تغییرات	استقبال از تغییرات مثبت
فرد گرایی و یا علیه دیگران بودند	همدلی، هم فکری، همکاری با دیگران

ج) هوش شناختی^۱

یکی از عوامل درون فردی که از دیرباز رابطه آن با پیشرفت و عملکرد تحصیلی مورد بررسی قرار گرفته، هوش شناختی است. منظور از هوش شناختی آن جنبه از هوش است که نشانگر نگهداری اطلاعات، تمرکز زیاد، عدم فراموشی اطلاعات، پیش‌بینی سریع اتفاقات، عکس‌العمل بالا و .. است. روان‌شناسان تربیتی، هوش شناختی را یکی از عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی می‌دانند. برخی تعاریف از هوش بر ظرفیت کلی برای یادگیری و حل مسأله‌عنی ماهیت منطقی هوش تاکید دارد و برخی توانایی‌های آن را در عملکرد زندگی می‌شناسند^۲. بهترین تعریف تحلیلی هوش را وکسلر^۳ روان‌شناس آمریکایی ارائه داده است "هوش عبارت است از تفکر عاقلانه عمل منطقی و رفتار مؤثر در محیط" (فیضی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۷۷). با توجه به انتزاعی بودن هوش تعاریف متعددی از آن صورت گرفته است اما صرف نظر از همه تفاوت‌ها نقاط مشترکی در همه تعاریف وجود دارد که عبارتند از: (۱) توانایی پرداختن به امور انتزاعی (۲) توانایی حل مسئله (۳) توانایی یادگیری (گنجی، ۱۳۹۰: ۱۸). واروارا و همکاران^۴ (۲۰۱۵) معتقدند که با این‌که عوامل متعددی در موفقیت تحصیلی مؤثر هستند اما هوش شناختی به تنهایی ۰/۲۵ واریانس موفقیت را پیش‌بینی می‌کند. هوش شناختی می‌کوشد بی آن‌که به سایر جنبه‌های شخصیت و رفتار توجه کافی داشته باشد، استعداد افراد را برای درک، یادگیری، یادآوری، تفکر منطقی، حل مسئله و امثال آن تحت تأثیر قرار دهد (سعیدی‌راد، ۱۳۹۱: ۵۳). در تحقیقی که گنجی و همکاران بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی انجام دادند به این نتیجه رسیدند که در سال‌های آخر دبیرستان تنها نقش هوش شناختی در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی معنادار است (گنجی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۹). از آن‌جایی‌که آزمون کنکور نیاز با پاسخ‌های همگرا (جواب آن از قبل مشخص است) دارد تا پاسخ‌های واگرا (به کارگیری خلاقیت) به نظر می‌رسد که در این آزمون سنجیدن هوش شناختی موثرتر از ابعاد دیگر هوش نظیر هوش هیجانی باشد. تحقیقات زیادی در رابطه با هوش شناختی و پیشرفت تحصیلی صورت گرفته

I. Intelligence

- منظور از هوش شناختی، هوش عمومی یا عامل g است.

۲. از جمله هوش‌های شناخته شده: هوش شناختی IQ، هوش هیجانی EQ، هوش جسمانی PI، هوش معنوی SI و هوش عقلانی II را می‌توان نام برد (به نقل از <https://fa.wikipedia.org>).

3. David Wechsler

4. Varvara et al

است که همگی رابطه معنادار بین این دو را تأیید کرده‌اند. ولی ارتباط این دو با افزایش سن افراد ضعیف‌تر می‌شود. یعنی اگر ارتباط هوش و پیشرفت تحصیلی در ابتدایی ۰/۷۰ باشد در مقطع - راهنمایی این ارتباط به ۰/۵۰ درصد و در مقطع پیش دانشگاهی و کنکور ۰/۴۰ یا ۰/۵۰ درصد و در مقطع کارشناسی‌ارشد و دکتری به ۰/۳۰ تقلیل می‌یابد (گنجی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۰).

د) امنیت غذایی^۱

غذا و تغذیه از جمله نیازهای بنیادی جامعه بشری است و تأمین آن در مقوله امنیت غذایی نهفته است. اگر چه تأمین انرژی به منظور تأمین حیات هر فرد ضرورت دارد، ولی برای داشتن زندگی سالم و فعال باید ارزش‌های غذایی مختلف از جمله ریزمغذی‌های مانند کلسیم، آهن، انواع ویتامین‌ها به مقدار نیاز برای بدن تأمین شود. امنیت غذایی عبارت‌است از دسترسی همه افراد در تمام اوقات به غذای کافی به منظور زندگی سالم و فعال که شامل (۱) فراهم بودن غذای سالم و کافی از نظر تغذیه‌ای (۲) دسترسی به غذا: افراد باید به منابع و حقوق کافی دسترسی داشته باشند تا بتوانند غذایی مناسب برای رژیم غذایی فراهم کنند (۳) استفاده از مواد غذایی: وضعیت مصرف مواد غذایی کافی و امن که با وضعیت فیزیولوژیکی فرد مطابق باشد (۴) پایداری موجودی و دسترسی به غذا: امنیت غذایی آن موقع تکمیل می‌شود که شخص، در همه زمان‌ها دسترسی پایدار به غذا داشته باشد (تنهایی، ۱۳۹۴: ۱۸). نامنی غذایی نه تنها شامل عدم دسترسی به غذا است، بلکه ادراکی نظیر ناکافی بودن از نظر کمیت و کیفیت، غیر قابل بودن و نگرانی را نیز در بر دارد. و یک تجربه زنجیروار است که نگرانی و اضطراب درباره غذا در سطح خانواده آغاز می‌شود، و تا پدیدار شدن گرسنگی در کودکان پیشرفت می‌کند. امنیت غذایی در هر جامعه‌ای دو پیش نیاز اصلی دارد، اطمینان از فراهمی و در دسترس بودن مواد غذایی در جامعه و اطمینان از توانایی خانواده در به دست آوردن غذا (علی مرادی، ۱۳۹۳: ۶۴). همچنین فائو (FAO) اعلام می‌کند که امنیت غذایی خانواده وقتی تأمین می‌شود که خانواده برای حدود یک سال آینده دسترسی به مقدار کافی و متنوع از مواد غذایی ایمن را بر رفع نیاز اعضای خود داشته باشد (پیشین ۶۵). در پژوهشی مقدم بنائم (۱۳۷۹) به این نتیجه رسید که عوامل تغذیه‌ای نقش مهمی در اعمال سیستم اعصاب مرکزی و رفتار مربوط به آن دارند. سوء تغذیه، نخوردن صبحانه عملکرد مغز را تغییر می‌دهد، به ویژه تغییراتی در دقت و سرعت بازیابی اطلاعات در حافظه کوتاه مدت به وجود می‌آورد. همچنین امنیت غذایی یک پدیده پیچیده و چند بعدی است. به نوعی امنیت غذایی تداعی کننده طبقه اجتماعی افراد است. قدرت خرید خانوار و یا جامعه به قیمت غذا وابسته است. افزایش قیمت غذا باعث کاهش تنوع و کیفیت تغذیه‌ای رژیم غذایی می‌شود و برای بسیاری از افراد جامعه به خصوص دهک‌های پایین درآمدی

1. food security

مقدار غذا را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد (سید حمزه: ۱۳۹۶، ۲۳۱). همچنین دسترسی فیزیکی به غذا، قدرت اقتصادی خرید غذا و ایمنی غذایی شدیداً متأثر از عوامل اقتصادی است (پیشین: ۲۳۰). باید توجه داشت که رژیم غذایی طبقات پایین کفایت لازم را ندارد. یعنی از غذاهایی با چگالی انرژی بیشتر اما ارزان قیمت استفاده می‌کنند، درحالی‌که برای ارتقاء سلامتی و جلوگیری از بیماری‌های مزمن باید به کیفیت، بهای بیشتر داد (بصیرت، ۱۳۹۰: ۲۵۵).

ت) امید^۱

امید یک حالت روحی و روانی و برانگیزاننده انسان به کار و فعالیت است. امید به پیشرفت انسان را به حرکت وا می‌دارد تا به هدف خویش برسد. اسنایدر و همکاران (۱۹۹۴) امید را به‌عنوان حالت انگیزشی مثبتی می‌دانند که بر احساس موفقیت، به‌عنوان عامل فعال (انرژی و هدف‌گرایی) و مسیر (برنامه ریزی رسیدن به هدف) عمل می‌کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که امیدواری واریانس بی‌دلیلی برای خوش بینی به وجود می‌آورد و می‌تواند کمک خوبی به پیش‌بینی متغیرهای مختلف داشته باشد (علی زاده اقدام: ۱۳۹۱، ۱۹۰). امیدواری درخواستی است که فرد برای آینده خود دارد (پیشین: ۱۹۲). امید به موفقیت در بر دارنده تصورات افراد به آینده است و با این تصور که احتمال دارد نتایج مثبت حاصل شود باعث افزایش فعالیت افراد می‌شود. امید دانشجویان را با تمرکز بر موفقیت برای فائق آمدن بر مشکلات توانمند می‌کند و با افزایش این امکان، آن‌ها به اهدافشان نائل می‌شوند. همچنین امید این روحیه را در کنشگران ایجاد می‌کند که با تمام تلاش برای رسیدن به خواسته‌های خود کوشش کنند. اسکار لوئیس معتقد است یکی از ویژگی‌های فرهنگ فقر و سبک زندگی فقرا ناامیدی است. ناامیدی از دانستن این واقعیت ناشی می‌شود که کسب موفقیت در زمینه ارزش‌ها و هدف‌های جامعه بزرگ برای آنان ناممکن است (معصومی: ۱۳۹۲، ۱۱۰). و این روحیه بدبینی حاصل موقعیت اجتماعی و به طبع نهادینه شدن ناامیدی در آنان است و می‌تواند مانعی در جهت پیشرفت باشد. از سویی دیگر بین امیدوار بودن و خوش‌بینی رابطه معنی‌داری وجود دارد، به عبارتی افراد امیدوار خوش‌بین‌تر هستند و رضایت بیشتری از وضع موجود دارند (پیترسون: ۲۰۰۰). در تئوری امید این عقیده مطرح است که سطوح امیدواری دانشجویان آن‌ها را در انتخاب اهداف آموزشی و علمی هدایت می‌کند. در شرایطی که دانشجویان با موانعی در طول مسیرشان مواجه می‌شوند، دانشجویان امیدوار به خصوص آن‌هایی که از قدرت راهیابی (خلاقیت و خوش‌بینی) بالایی برخوردارند، می‌توانند راهکارهای زیادی را برای رسیدن به هدف‌هایشان ترسیم و راه‌های احتمالی را نیز برنامه ریزی کنند (ابراهیمی: ۱۳۹۰: ۴).

1. Hope
2. Peterson

ه) طبقه^۱

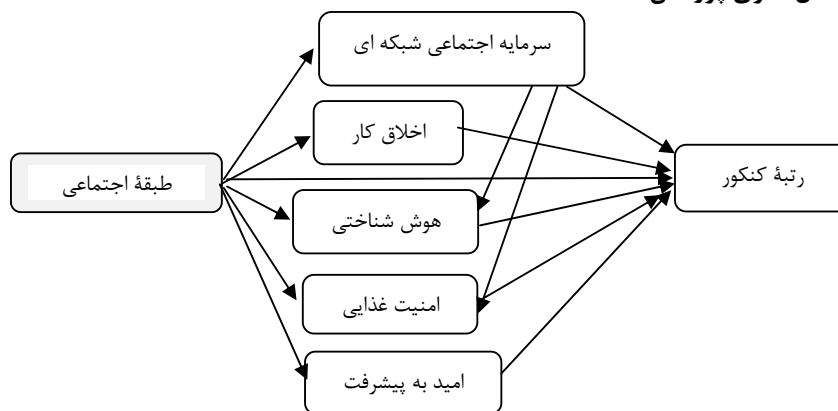
وقتی از این واژه در نظریات جامعه‌شناسی استفاده می‌شود بیشتر در پی فهم نظام‌های نابرابر اقتصادی^۲ است. اندیشه‌های کارل مارکس و ماکس وبر، شالوده‌اکثر تحلیل‌های جامعه‌شناختی در باره طبقه و قشربندی^۳ است (رایت: ۲۰۰۳). از نظر مارکس طبقه‌عنی صورت واحدی اجتماعی که هدفش کسب قدرت و دگرگون کردن روابط اجتماعی است (آرون: ۱۳۹۰، ۱۶۸). از نظر او طبقه به معنای گروهی از مردم است که رابطه مشترکی با ابزارهای تولید دارند (تأمین: ۱۳۹۳، ۸). ماکس وبر در مطالعات تاریخی گسترده خود روشن ساخت که نمی‌توان کنش‌های اجتماعی را صرفاً با اتکا به مفاهیم اقتصادی درک کرد، چرا که حتی در ارزیابی منافع اقتصادی نیز اندیشه‌های ناشی از خرده فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی موثرند (شالچی: ۱۳۸۶: ۷). طبق نظر وبر، تقسیم بندی‌های طبقاتی نه فقط از کنترل یا فقدان کنترل ابزارهای تولید، بلکه از آن تفاوت‌های اقتصادی نیز نشئت می‌گیرد که هیچ ارتباط مستقیمی با دارایی‌ها ندارد. این منابع اقتصادی خصوصاً مهارت‌ها، وجهه‌ها و اعتبار یا مدارج و مدارک تحصیلی را شامل می‌شود که در "بخت‌های زندگی"^۴ فرد تأثیر می‌گذارد (گیدنز: ۴۱۳). رایت^۵ معتقد است در مفهوم سازی طبقه چند عامل مهم است (۱) طبقه به‌عنوان یک پایگاه ذهنی: در این تعریف طبقه، ناظر بر ارزیابی مردم از خودشاندر سلسله مراتب اجتماعی است. (۲) طبقه به‌عنوان یک جایگاه عینی در ساختار توزیع: اشاره به پایگاه فرد در سلسله مراتب توزیع منابع مادی دارد. به عبارتی افراد در توزیع منابع مادی (با توجه به مواهب مادی که در اختیار دارند) چه جایگاهی دارند. (۳) طبقه به‌عنوان یک توضیح رابطه‌ای از فرصت‌های زندگی اقتصادی: به عبارتی جایگاه افراد در زندگی اقتصادی به صورت رابطه‌ای امکان دسترسی افراد به سایر فرصت‌ها را نیز فراهم می‌آورد. در اینجا نوعی تبدیل دارایی‌ها به کد دیگر ملاک است. (۴) طبقه به‌عنوان یک تضاد آشتی ناپذیر: به عبارتی شکاف‌های ناشی از جایگاه افراد در سلسله مراتب اقتصادی چگونه باعث شکل‌گیری تضاد می‌شود (عظیمی: ۱۳۹۴، ۱۱۳). از نظر رایت، طبقه گروه‌های اجتماعی هستند که از طریق آن افراد گروه خود را به صورت ذهنی در سیستم قشربندی اقتصادی رده‌بندی می‌کنند (رایت، ۲۰۰۳). تعریف بورديو از طبقه، در بردارنده چهار مفهومی است، که رایت مشخص کرده است. او ریشه تمام نابرابری‌ها را در عدم دسترسی افراد به فرصت‌های زندگی (انواع سرمایه‌ها: اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی) مرتبط می‌داند (رایت، ۲۰۰۳). او با تلفیق ایده‌های مارکس و وبر نظری جامع در باب طبقات اجتماعی ارائه کرده است. بورديو سرمایه را فراتر از مفهوم اقتصادی آن مطرح کرد. او

1. Class
2. Economic inequality
3. Stratification
4. Life-chances
5. Wright

بیان می‌دارد که ساختار اجتماعی یک جامعه پیشرفته را نمی‌توان تنها با بیان سلسله مراتبی ساده درآمد و سرمایه اقتصادی تحلیل کرد (پیروزان: ۱۳۹۰، ۴۲). بورديو، طبقه را مجموعه‌ای از کنشگران تعریف کرده است که پایگاه‌کسانی را اشغال می‌کنند، در شرایط یکسانی قرار دارند و محتمل است که تمایلات و علایق یکسانی نیز داشته باشند و به همین دلیل احتمالاً اعمال مشابهی را انجام می‌دهند و مواضع مشابهی را اتخاذ می‌کنند. از نظر بورديو طبقه اجتماعی هر فردی تشکیل یافته از میزان سرمایه کلی است که به دست می‌آورد و سرمایه کل نیز ترکیب و حجمی از سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی است (ملک: ۱۳۸۹، ۱۲۴).

همچنین بورديو معتقد است که بین طبقات اجتماعی و موقعیت‌های اجتماعی هم خوانی وجود دارد و موقعیت‌های مشابه افراد را به جایگاه‌های مشابه هدایت می‌نماید. در نتیجه می‌توان پنداشت که سرمایه فرهنگی به کودکان با سابقه ممتاز به نسبت کودکان با سابقه محرومیت سود می‌رساند. او قصد داشت نشان دهد که طبقات اجتماعی از طریق ایجاد سرمایه فرهنگی در کودکان خود را بازتولید می‌کنند (نوغانی، ۱۳۸۶: ۸۰). بنابراین براساس نظریه بورديو می‌توان گفت: آزمون‌ها، نمره‌ها، امتیازات تحصیلی (رتبه کنکور) و در پایان مدرک تحصیلی به فرهنگ مدرسه‌ای فرد و فرهنگ اجتماعی او مشروعیت می‌دهد و به طبقه‌های برتر جامعه امتیازات بیشتر می‌دهد. آنچه را که استعداد طبیعی می‌خوانند، چیزی جز ارزشی از ارزش‌های اجتماعی نیست که نظام آموزشی آن را ارج می‌نهد و پرورش می‌دهد. در واقع امتیاز اجتماعی در مدرسه به امتیازی شخصی بدل می‌شود.

مدل نظری پژوهش



فرضیه‌های اصلی پژوهش

- به نظر می‌رسد بین طبقه اجتماعی و رتبه کنکور رابطه وجود داشته باشد.
- به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی شبکه‌ای و رتبه کنکور رابطه وجود داشته باشد.
- به نظر می‌رسد بین اخلاق کار و رتبه کنکور رابطه وجود داشته باشد.
- به نظر می‌رسد بین امنیت غذایی داوطلبان و رتبه کنکور رابطه وجود داشته باشد.
- به نظر می‌رسد بین امیدواری داوطلبان و رتبه کنکور رابطه وجود داشته باشد.
- به نظر می‌رسد بین هوش شناختی داوطلبان و رتبه کنکور رابطه وجود داشته باشد.

فرضیه‌های جانبی پژوهش

- به نظر می‌رسد بین امید دانشجویان پذیرفته شده در رشته‌های محبوب با پذیرفته‌شدگان در رشته‌های کمتر محبوب تفاوت وجود داشته باشد.
- به نظر می‌رسد میزان هوش شناختی دانشجویان پذیرفته شده در رشته‌های محبوب با پذیرفته‌شدگان رشته‌های کمتر محبوب تفاوت وجود داشته باشد.
- به نظر می‌رسد بین طبقات اجتماعی دانشجویان و پذیرش در رشته‌های محبوب و کمتر-محبوب تفاوت وجود داشته باشد.
- به نظر می‌رسد بین طبقات اجتماعی داوطلبان و میزان اخلاق کار آنان تفاوت وجود داشته باشد.
- به نظر می‌رسد بین طبقه اجتماعی داوطلبان و امنیت غذایی آنان رابطه وجود داشته باشد.
- به نظر می‌رسد بین امنیت غذایی داوطلبان و هوش شناختی آنان رابطه وجود داشته باشد.

روش پژوهش

این پژوهش یک تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است، متغیر پیش بین طبقه، متغیر واسطه اخلاق کار، هوش، امنیت غذایی، امید و متغیر ملاک نتایج کنکور است. در پژوهش حاضر از روش کمی بهره گرفته شد. جمعیت آماری پژوهش کل دانشجویان کارشناسی دانشگاه بوعلی سینا، و در مقطع زمانی خاص (ورودی سال‌های ۹۱-۹۵) معادل ۱۲۵۰۰ نفر (دانشجویان دوره کارشناسی) است که مقدار نمونه با استفاده از معادله کوکران برای داده‌های کمی^۱ با احتساب پرسش نامه‌های مخدوش و ناقص ۳۷۰ نفر شد (۳۵۱+۱۹).

$$n = \frac{12500 * (1/96 * 0/49)^2}{12500 * 0/05^2 + (1/96 * 0/49)^2} = \frac{12500 * (0/90)}{12500 * 0/0025 + (0/90)} = \frac{11250}{32} = 351$$

1. Cochran Test [$n = \frac{N * C^2}{N * C^2 + (C * S)^2}$]

در نمونه‌گیری ابتدا تعداد نمونه به روش طبقه‌ای و با توجه به میزان جمعیت دانشکده‌ها تعیین شد و سپس پرسش‌نامه‌ها در میان دانشجویان آن دانشکده (متناسب با جمعیت دانشکده) به صورت اتفاقی پخش شد. جمعیت دانشکده‌ها و مقدار نمونه انتخاب شده بدین شرح است:

جدول شماره (۲) جمعیت هر دانشکده و تعداد نمونه انتخاب شده

ردیف	نام دانشکده	جمعیت ^۱	درصد جمعیت	تعداد افراد نمونه
۱	دانشکده فنی مهندسی ^۲	۱۸۲۰	۱۴/۵۶	۵۴
۲	دانشکده کشاورزی	۹۸۰	۷/۸۴	۳۰
۳	دانشکده علوم پایه	۱۴۰۰	۱۱/۲	۴۲
۴	دانشکده علوم اقتصاد و علوم اجتماعی	۲۱۰۰	۱۶/۸	۶۲
۵	دانشکده ادبیات و علوم انسانی	۱۹۵۰	۱۵/۶	۵۸
۶	دانشکده هنر و معماری	۷۰۰	۵/۶	۲۱
۷	دانشکده شیمی	۱۶۰۰	۱۲/۸۰	۴۵
۸	دانشکده پیرامپزشکی	۱۰۵۰	۸/۴	۳۱
۹	دانشکده مدیریت و حسابداری	۴۰۰	۳/۲	۱۲
۱۰	دانشکده تربیت بدنی	۵۰۰	۴	۱۵
	جمعیت کل	۱۲۵۰۰	۱۰۰	۳۷۰

در تعریف عملیاتی متغیرها کلیه سوالات پژوهش از پرسش‌نامه‌های معتبر و مطرح انتخاب شد تا از قابلیت اعتبار و پایایی قابل قبولی برخوردار باشد.

جدول شماره (۳) عملیاتی سازی متغیرها

ردیف	متغیر	نوع متغیر	پرسش‌نامه‌ی استفاده شده	تعداد گویه	طیف (درجه سوالات)
۱	طبقه ^۳	پیش‌بین	محقق ساخته (اقتباس از کتاب تمایز)	۱۴	باز پاسخ
۲	اخلاق کار ^۴	واسط	گرت و میلر (۱۹۷۱)	۱۹	۷
۳	امنیت غذایی	واسط	HFIAS ^۵	۹	۴
۴	سرمایه	واسط	حمایت اجتماعی ادراک شده زمین ۱	۱۲	۵

۱. <http://www.basu.ac.ir>

۲. دانشکده فنی مهندسی با دانشکده فنی مهندسی تویسرکان به صورت تلفیقی و سر جمع بیان شده است.

۳- در این پژوهش طبقه ترکیبی از متغیرهای زیر است.

[درآمد + تحصیلات والدین + منزلت شغلی + قیمت مسکن + قیمت خودروی شخصی = طبقه اجتماعی]

۴- پرسش‌نامه اخلاق کار پروتستانی گرت و میلر برای اولین بار توسط دکتر حمید عبادالهی ترجمه و در این پژوهش به کار برده شد.

۵. Household Food Insecurity Access Scale

ردیف	متغیر	نوع متغیر	پرسش نامه‌ی استفاده شده	تعداد گویه	طیف (درجه سوالات)
	اجتماعی شبکه‌ای				
۵	امید	واسط	اسنایدر ^۲	۸	۵
۶	هوش شناختی	واسط	وکسلر (بعد اطلاعات عمومی و هوش ریاضی)	۳۷	باز پاسخ

همه‌ی سوالات به جز هوش شناختی در طیف لیکرت و در سطح فاصله‌ای سنجش شد. سوالات اخلاق کار گرت و میلر با ۱۹ گویه و در ۷ طیف کاملاً درست تا کاملاً غلط قرار گرفت و ابعادی مانند دیدگاه پاسخ گویان به علاقه به کار، سخت کوشی، پشتکار، رفاه طلبی را بررسی کرد. پرسش‌نامه امید اسنایدر با ۸ گویه‌های و در ۵ طیف، ابعاد تفکر عاملیتی و تفکر راهبردی را می‌سنجید. در ادامه پرسش‌نامه سرمایه‌ اجتماعی شبکه‌ای زمین با ۱۲ گویه و ۵ طیف، سه بعد حمایت والدین و خانواده، حمایت دوستان و حمایت منابع نهادی را مورد ارزیابی قرار داد. ابعاد امنیت غذایی با استفاده از پرسش‌نامه ناامنی غذایی HFIAS با ۹ گویه و در ۴ طیف قرار گرفت و سه عنصر مهم امنیت غذایی یعنی موجود بودن غذا، پایداری عرضه غذا و دسترسی به غذا را مورد ارزیابی قرار داد. در بخش عملیاتی سازی هوش شناختی از دو خرده آزمون پرسش نامه هوش وکسلر با ۳۷ گویه و به صورت باز پاسخ استفاده شد. خرده آزمون اطلاعات عمومی با ۲۵ گویه دامنه آموخته‌های قبلی، کنجکاوی عقلی، ذخیره اطلاعات کلی عمومی، هوشیاری نسبت به وقایع روزمره و حافظه دور آزمودنی‌ها را سنجید و خرده مقیاس هوش عددی با ۱۲ گویه عواملی مانند قابلیت تمرکز، هوشیاری، رهایی از حواس پرتی را ارزیابی کرد. در بخش آخر پرسش نامه، گویه‌های طبقه و سوالات زمینه‌ای با ۱۴ گویه و به صورت باز پاسخ قرار گرفت. در پژوهش پیش رو طبقه ترکیبی از سرمایه اقتصادی و فرهنگی است که ابعادی مانند درآمد خانوار، سطح تحصیلات پدر و مادر، قیمت منزل مسکونی، شغل پدر و... ارزیابی می‌کند.

در یک دسته بندی رشته‌ها به صورت رشته‌های محبوب و کمتر محبوب تقسیم بندی شد (به اقتباس از مقاله علی رضا عظیم پور (۱۳۹۳)). به عبارتی رشته‌هایی چون مهندسی مکانیک، مهندسی برق، مهندسی صنایع، حقوق، روان‌شناسی، حسابداری، طراحی صنعتی، عمران، معماری،

۵- Zemen و همکارانش (۱۹۸۸) به منظور سنجش حمایت اجتماعی ادراک شده از طرف خانواده، دوستان و افراد مهم در زندگی فرد این پرسش نامه را تهیه کردند.

2. Snyder scale

فیزیک اتمی و مولکولی و ... به‌عنوان رشته‌های محبوب و رشته‌هایی نظیر ادبیات، باغداری، علوم تربیتی، آمار، ریاضی و ... به‌عنوان رشته‌های کمتر محبوب انتخاب شد. در این بخش دو عامل، ملاک دسته بندی قرار گرفت، نخست پذیرفته‌شدگان رشته‌های مطرح از رتبه‌های خیلی خوب (حداکثر سه رقمی) بهره مند بودند. دوم، دانشجویان یک دانشکده، چه رشته‌هایی را در دانشکده خود محبوب تر می‌دانستند. برای مثال از دانشجویان پرسیده می‌شد که رشته‌های مطرح و مورد علاقه اکثر دانشجویان در این دانشکده چه رشته‌هایی هستند؟ در نهایت تجزیه تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار Spss و با بهره گیری از آمار توصیفی^۱ و آمار استنباطی^۲ اقدام شد. در پایان میزان اعتبار^۳ (میزان انطباق بین تعریف مفهومی متغیر با تعریف عملیاتی) و پایایی^۴ (میزان ثبات و انسجام درونی اجزای یک مفهوم) گویه‌ها سنجیده شد.

قابلیت پایایی پژوهش

برای محاسبه ضریب پایایی ابزار اندازه‌گیری، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج حاصل از آلفای کرونباخ نشان می‌دهد گویه‌های به‌کار رفته از انسجام درونی قابل قبولی برای متغیرهای تحقیق برخوردارند. جدول زیر نشان می‌دهد بین گویه‌ها با ضریب آلفای بالاتر از ۰/۷ درصد، همسانی درونی بین گویه‌ها را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۴) آزمون آلفای کرونباخ در بررسی قابلیت اعتماد

ردیف	بعد	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
۱	اخلاق کار	۱۹	۰/۷۰۴
۲	امید	۸	۰/۷۷۲
۳	امنیت غذایی	۹	۰/۹۳۳
۴	سرمایه اجتماعی شبکه‌ای	۱۲	۰/۷۸۸

اعتبار یا روایی ابزار تحقیق

اعتبار سازه پرسش‌نامه حاضر از طریق تحلیل عاملی^۵ صورت گرفت. در تحلیل عاملی اگر میزان اعتبار (KMO) ۰/۶ و بالاتر و نیز سطح معنی‌داری آزمون بارتلت ۰/۰۵ و پایین‌تر از آن باشد، می‌توان گفت که سوال‌های پرسشنامه از اعتبار لازم برخوردار هستند بنابراین، پرسشنامه قابل قبول است.

1. Descriptiv Statistics
2. Infrentrial statistics
3. Validity (روایی)
4. Reliabilility
5. Factor Analysis

روایی سازه به این دلیل استفاده شد که تعیین کند نمرات پرسش نامه تا چه اندازه با سازه‌های حاصل از نظریه‌های زیر بنایی گویه‌های رابطه دارند. به دلیل استقلال محتوایی هر یک از بخش‌های پرسش نامه، تحلیل عاملی بر روی هر یک از این بخش‌ها به صورت مستقل انجام شد. نتایج به دست آمده حاکی از تعداد مناسب سوالات برای تحلیل عاملی است. و همچنین آماره‌های فوق بیانگر انجام درست تفکیک عامل‌ها است. در جدول زیر تحلیل عامل متغیرهای واسط نشان داده شده است.

جدول شماره (۵) آزمون KMO و بارتلت برای متغیرهای واسط

نوع متغیر	نام متغیر	تعداد گویه‌ها	مقدار KMO	کای اسکوئر	درجه آزادی	سطح معنی‌داری آزمون Bartlett	تعداد عامل‌های استخراج شده
واسطه‌ای	اخلاق کار	۱۹	۰/۷۳۸	۸۸۱/۶۹	۱۷۱	۰/۰۰۰	۶
واسطه‌ای	امید	۸	۰/۸۰۵	۷۱۴/۹۴	۲۸	۰/۰۰۰	۲
واسطه‌ای	امنیت غذایی	۹	۰/۹۰۳	۲۱۷۹/۰۴	۳۶	۰/۰۰۰	۲
واسطه‌ای	سرمایه اجتماعی شبکه‌ای	۱۲	۰/۷۷۸	۱۳۲۹/۴۲	۶۶	۰/۰۰۰	۳

نتایج فوق حاکی از آن است که تمام گویه‌ها صلاحیت لازم را دارند چرا که مقدار KMO برای تمام متغیرها بالاتر از ۰/۷ درصد می‌باشد که در سطح خوب و مطلوب است.

یافته‌های توصیفی

با توجه به توزیع فراوانی جنسیت، برای پسران (۵۳/۸) درصد و دختران (۴۶/۲) درصد بود. دامنه سنی پاسخ‌گویان بین ۱۸ تا ۳۰ سال می‌باشد. و میانگین سنی پاسخ‌گویان (۲۱ سال) نشان می‌دهد پاسخ‌گویان اکثراً از ورودی‌های جدید و ترم‌های پایین هستند. نمونه از میان تمام دانشکده‌ها و متناسب با جمعیت هر دانشکده انتخاب شد. بیشتر افراد نمونه از دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی و ادبیات و علوم انسانی (جمعیت بالای آن‌ها) انتخاب شد. در نمونه آماری پاسخ‌گویی از ترم ۱ تا ۹ حضور داشتند که فراوانی ترم اول و سوم هر کدام با ۸۰ نفر بیشترین فراوانی را دارا بود. با توجه به دامنه نمونه از ده دانشکده، پاسخ‌گویی از ۵۷ رشته به سؤالات پاسخ گفتند. ۰/۲۸ از والدین پاسخ‌گویان تحصیلات بالاتر از دیپلم و ۰/۷۲ از والدین سواد دیپلم و پایین‌تر داشتند. در رتبه بندی منزلت شغلی ۴۰/۵ درصد که بیشترین فراوانی منزلت شغلی است متعلق به طبقه متوسط بود. بیشترین مقدار درآمد ۲۰۰۰۰۰۰ تومان بود. از کل پاسخ‌گویان ۸۵٫۷ درصد ساکن شهر و ۹۲/۴ درصد از نمونه مالک منزل شخصی بودند. بیشترین فراوانی قیمت منزل مسکونی

۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ میلیون تومان و ۹۲/۸ درصد افراد نمونه ماشین شخصی داشتند. همچنین در تقسیم بندی رشته‌های دانشگاهی به دو دسته محبوب و کمتر محبوب ۱۰۶ (۲۹ درصد) در رشته‌های محبوب و ۲۶۴ نفر (۷۱ درصد) در رشته‌های کمتر محبوب تحصیل می‌کردند. در تقسیم بندی طبقه به پنج دسته بیشترین فراوانی متعلق به طبقه متوسط با ۲۰۷ نفر (۵۵/۹ درصد) و کمترین فراوانی متعلق به طبقات خیلی بالا با ۲۱ نفر (۵/۷ درصد) بود. تقسیم بندی رتبه‌های کنکور به پنج دسته خیلی خوب تا خیلی بالا رده بندی شد که بیشترین فراوانی متعلق به دسته متوسط با ۱۳۰ نفر (۳۵/۱ درصد) و کمترین فراوانی متعلق به رتبه‌های خیلی خوب با ۴۴ نفر (۱۱/۹ درصد) بود. امنیت غذایی نیز به چهار طبقه دسته بندی شد که بیشترین فراوانی متعلق طبقه امن غذایی با ۱۶۳ نفر (۴۴/۱ درصد) و کمترین فراوانی متعلق به نامن غذایی با ۳۷ نفر (۱۰ درصد) بود. در دسته بندی آخر هوش نیز به سه دسته تقسیم شد که بیشترین فراوانی متعلق به هوش متوسط با ۱۹۳ نفر (۵۲/۱ درصد) و کمترین فراوانی متعلق به بهره هوش پایین با ۵۵ نفر (۱۴/۹ درصد) بود. همچنین میانگین اخلاق کار پاسخ‌گویان ۳/۱۳ بود که این رقم با توجه به (۱/۵۸ الی ۵/۰۵) در حد متوسط بود. لذا یافته‌های توصیفی فوق چند نکته را یاد آوری می‌کند. ۱- پایین بودن سرمایه فرهنگی اغلب والدین پاسخ‌گویان ۲- بیش از ۷۰ درصد طبقه اجتماعی و امنیت غذایی متوسط و بالاتر برخوردارند ۳- اخلاق کار پاسخ‌گویان در حد متوسط است. از این رو با توجه به مباحث فوق و ضمن در نظر گرفتن سه نکته مذکور، در جمع بندی می‌توان گفت که اغلب پاسخ‌گویان پژوهش از طبقات متوسط جامعه بوده اند.

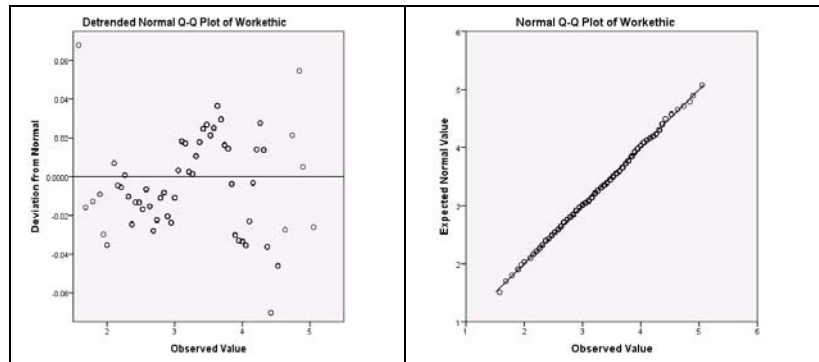
آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (k-s)

برای انتخاب آزمون آماری مناسب برای تجزیه و تحلیل داده‌های گرد آوری شده لازم است تا نوع توزیع متغیرها به لحاظ نرمال بودن پراکندگی آن‌ها ارزیابی گردد که در این مورد از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. سطح معنا داری آزمون در متغیر پیش بین اخلاق کار از ۰/۰۵ بزرگتر است بنابراین می‌توان قضاوت کرد که توزیع پراکندگی نمرات این متغیر نرمال بوده و تفاوت معنی داری بین فراوانی‌ها مشاهده شده و فراوانی‌های مورد انتظار وجود ندارد. همه متغیرهای اصلی پژوهش: مستقل، وابسته و واسط توسط آزمون کولموگروف اسمیرنوف و نمودار QQ مورد بررسی قرار گرفتند. از آنجا که اگر توزیع داده‌های یکی از متغیرهای اصلی پژوهش نرمال باشد می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد از این رو از یکی از متغیرهای واسط اصلی پژوهش یعنی "اخلاق کار" استفاده شده است. نتیجه بررسی نشان می‌دهد که توزیع داده‌های متغیر اخلاق کار به صورت نرمال بوده و استفاده از آزمون‌های پارامتریک مورد تایید است.

جدول (۶) آزمون کلموگرف اسمیرنوف برای مشخص کردن نرمال بودن توزیع مقادیر متغیرها

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	تفاوت مثبت	تفاوت منفی	آزمون	سطح معنی‌داری
اخلاق کار	۳۷۰	۳/۲۹	۰/۶۰۸	۰/۰۳۱	-۰/۰۳۶	۰/۰۳۶	۰/۲

جدول QQ برای متغیر اخلاق کار



نمودار QQ فوق نیز حاکی از وضعیت نرمال متغیر اخلاق کار است. لذا می‌توان برای سنجش داده‌ها از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

تحلیل‌های دومتغیره

در این بخش، هر یک از متغیرهای پیش بین با متغیر ملاک در ارتباط قرار می‌گیرد تا مشخص شود آیا متغیر پیش بین و متغیرهای واسط با متغیر ملاک رابطه دارند یا نه؟

جدول (۷) آزمون آماری رابطه بین متغیرها و رتبه کنکور

متغیر	نوع آزمون	سطح معنی‌داری (Sig)	ضریب همبستگی
طبقه	اسپیرمن	۰/۳۸۹	-۰/۰۴۵
اخلاق کار		۰/۲۲۶	۰/۰۶۳
امید		۰/۵۴۸	-۰/۰۳۱
امنیت غذایی		۰/۱۱۵	-۰/۰۸۲
سرمایه اجتماعی شبکه‌ای		۰/۰۰۱	۰/۱۶۹
هوش شناختی		۰/۰۲۱	۰/۱۲۷

داده‌های جدول فوق بیانگر این است که از میان متغیرهای مطرح شده تنها میان سرمایه اجتماعی شبکه‌ای و هوش شناختی با رتبه کنکور رابطه وجود دارد و متغیرهای دیگر رابطه معنادار ندارند.

آزمون‌های فرضیه‌های جانبی

علاوه بر فرضیه‌های اصلی پژوهش همانطور که در بخش فرضیه‌ها هم آورده شده فرضیه‌های جانبی نیز مطرح بودند. این فرضیه‌ها از طریق آزمون‌های تفاوت مورد بررسی قرار گرفتند. همچنین جهت ارائه دستاوردهای جدید پژوهش، یافته‌های تکمیلی نیز در این بخش آورده شده‌اند. از جمله این موارد، بحث تفکیک جنسیتی بود که در آزمون‌های تفاوت مورد بررسی قرار گرفت. یا برای مثال آیا کسانی که از طبقات بالا در یک رشته محبوب تحصیل می‌کنند امیدوار تر از کسانی هستند که در رشته‌های کمتر محبوب تحصیل می‌کنند؟ همین‌طور آیا تحصیل کنندگان رشته‌های محبوب با هوش تر از تحصیل کنندگان رشته‌های کمتر محبوب هستند؟..

جدول (۸) آزمون لوین جهت سنجش تفاوت هوش شناختی دانشجویان دختر و پسر

آزمون لوین برای بررسی برابری واریانس‌ها		مقدار T برای بررسی برابری میانگین‌ها		با فرض برابری واریانس‌ها	$\chi^2_{(k)}$
F مقدار	معنی داری	T مقدار	معنی داری		
۰/۶۱۹	۰/۴۳۲	۳/۸۵۶	۰/۰۰	۱/۲۲	

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که میان هوش شناختی دانشجویان دختر و دانشجویان پسر تفاوت معنادار وجود دارد و میانگین هوش پسران ۱۶/۱۴ و میانگین هوش شناختی دختران ۱۴/۹۲ و با ۱/۲۲ اختلاف، تفاوت معنادار است.

جدول (۹) نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه در ارتباط با طبقه اجتماعی و اخلاق کار

مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معنی داری
۲/۳۰۰	۴	۰/۵۷۵	۱/۵۶۲	۰/۱۸۴
۱۳۴/۳۶۷	۳۶۶	۰/۳۷۱		
۱۳۶/۶۶۶	۳۷۰			

جدول (۹) نشان می‌دهد آزمون تحلیل واریانس یک طرفه معنادار نیست. به عبارتی بین اخلاق کار طبقات اجتماعی بالا با طبقات اجتماعی پایین تفاوت وجود ندارد.

جدول (۱۰) آزمون کروسکال-والیس، تفاوت سرمایه اجتماعی شبکه‌ای میان دانشجویان دختر و پسر

معنی‌داری	df	کای اسکوئر	میانگین رتبه	فراوانی		
۰/۰۰۵	۱	۸/۰۳۲	۲۰۰/۰۹	۱۹۹	مرد	مجموع
			۱۶۸/۵۲	۱۷۱	زن	
				۳۷۰		

نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که میزان تفاوت، سرمایه اجتماعی شبکه‌ای در میان دانشجویان دختر و پسر معنادار است. میانگین رتبه سرمایه اجتماعی شبکه‌ای در میان دانشجویان پسر ۲۰۰/۰۹ و دختر ۱۶۸/۵۲ نشانگر افزایش نسبی این سرمایه در میان دانشجویان پسر است.

جدول (۱۱) آزمون لوین جهت سنجش تفاوت هوش شناختی میان رشته‌های محبوب و کمتر محبوب

مقدار T برای بررسی برابری میانگین‌ها			آزمون لوین برای بررسی برابری واریانس‌ها			
اختلاف میانگین	معنی‌داری	مقدار T	معنی‌داری	F مقدار	با فرض برابری واریانس‌ها	نتیجه
۱/۰۴۶	۰/۰۰۳	۲/۹۷۲	۰/۳۸۵	۰/۷۵۸		

نتایج به‌دست‌آمده در جدول (۱۱) نشان می‌دهد که میزان هوش شناختی در میان دانشجویان رشته‌های محبوب و کمتر محبوب تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارتی میانگین هوش شناختی دانشجویان رشته‌های محبوب ۱۶/۳۳ و میانگین هوش شناختی دانشجویان کمتر محبوب ۱۵/۲۸ است.

جدول (۱۲) آزمون لوین جهت سنجش تفاوت امیدواری میان رشته‌های محبوب و کمتر محبوب

مقدار T برای بررسی برابری میانگین‌ها			آزمون لوین برای بررسی برابری واریانس‌ها			
اختلاف میانگین	معنی‌داری	مقدار T	معنی‌داری	F مقدار	با فرض برابری واریانس‌ها	نتیجه
۲/۰۵۱	۰/۰۷۱	۳/۵۷۱	۰/۳۷۵	۰/۸۶۴		

نتایج به‌دست‌آمده در جدول (۱۲) نشان می‌دهد که میزان امیدواری در میان دانشجویان رشته‌های محبوب و کمتر محبوب تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول (۱۳) جدول ضریب پیوستگی (وی کریمر)

طبقات اجتماعی	رشته محبوب	رشته کمتر محبوب	کل
خیلی بالا	۵	۱۵	۲۱

طبقات اجتماعی	رشته محبوب	رشته کمتر محبوب	کل
بالا	۲۳	۴۲	۶۵
متوسط	۵۴	۱۵۳	۲۰۷
پایین	۱۰	۳۲	۵۱
خیلی پایین	۲	۲۲	۲۶
مجموع	۱۰۶	۲۶۴	۳۷۰
نوع متغیر	نوع آزمون	مقدار ضریب	معنی‌داری
اسمی با ترتیبی	کریمر V	۰/۱۲۹	۰/۱۸۵
مجموع		۳۷۰	

همچنین که داده‌های جدول (۱۳) ضریب پیوستگی می‌توان گفت بین طبقات اجتماعی و پذیرفته شدن در میان رشته‌های محبوب و کمتر محبوب تفاوت معنادار نیست.

جدول (۱۴) آزمون آماری رابطه طبقه و امنیت غذایی

ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری (Sig)	نوع آزمون	سطح سنجش	
			متغیر وابسته	متغیر مستقل
-۰/۱۴۳	۰/۰۰۶	اسپیرمن	ترتیبی	فاصله‌ای

جدول شماره (۱۴) نشان می‌دهد که مقدار ضریب همبستگی (۰/۱۴۳) و با اطمینان ۰/۹۵ و در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ بین دو متغیر طبقه اجتماعی با امنیت غذایی (نامنی غذایی) رابطه وجود دارد.

جدول (۱۵) آزمون تا-سی کندال جهت بررسی امنیت غذایی و هوش شناختی

هوش شناختی				امن غذایی	نا امنی خفیف	نا امنی متوسط	نا امنی شدید	مجموع
مجموع	بالا	متوسط	پایین					
۱۶۱	۵۷	۸۴	۲۰					
۱۲۲	۴۴	۶۲	۱۶					
۴۸	۱۵	۲۵	۸					
۳۷	۶	۲۰	۱۱					
۳۶۸	۱۲۲	۱۹۱	۵۵					
معنی‌داری	مقدار ضریب	نوع آزمون		نوع متغیر				
۰/۰۳۸	-۰/۰۹۷	تاوی-سی کندال		ترتیبی با ترتیبی				
	۳۶۸			مجموع				

با توجه به جدول (۱۵) آزمون تا-سی کندال بین دو متغیر امنیت غذایی و هوش شناختی رابطه وجود دارد. و اما جهت این رابطه معکوس است. به عبارتی با افزایش ناامنی غذایی، هوش شناختی کاهش و با کاهش ناامنی غذایی، هوش شناختی افزایش می‌یابد.

آزمون رگرسیون چند گانه

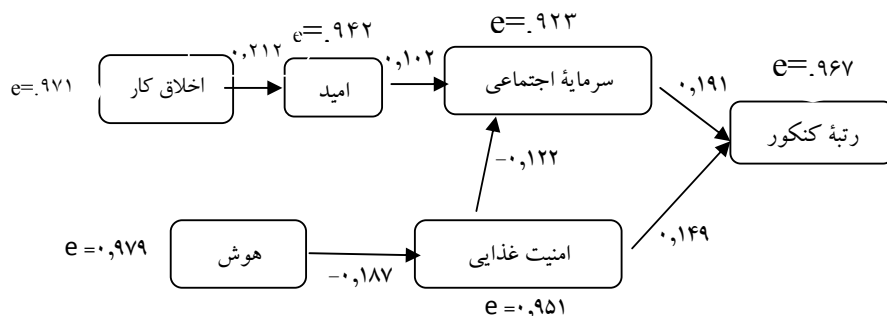
این احتمال وجود دارد که علاوه بر روابط دوگانه، روابط کاذب نیز بین متغیرها وجود داشته باشد، بنابراین برای بررسی عمیق‌تر این پدیده و تحلیل و پردازش مدل از طریق تحلیل مسیر یک مدل رگرسیون چندگانه ارائه شده است. برای وارد کردن متغیرها در تحلیل مسیر از روش همزمان استفاده شد که میزان تاثیر استاندارد شده‌ی هر کدام از متغیرهای پیش‌بین را بر متغیر ملاک نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱۶) جدول یافته‌های رگرسیون

متغیرهای وارد شده	ضرایب استاندارد شده‌ی (بتا)	مقدار T	سطح معنی‌داری
مقدار ثابت		۱.۱۳۳	.۲۵۸
طبقه	.۰۰۳	.۰۵۹	.۹۵۳
اخلاق کار	.۰۲۶	.۴۸۲	.۶۳۰
امید	.۰۲۰	.۳۷۸	.۷۰۶
امنیت غذایی (ناامنی غذایی)	.۱۴۹	-۲.۷۶۸	.۰۰۶
سرمایه اجتماعی شبکه‌ای	.۱۹۱	۳.۵۹۰	.۰۰۰
هوش شناختی	.۰۳۹	.۷۵۱	.۴۵۳

با توجه به داده‌های خروجی از جدول متغیر سرمایه‌ی اجتماعی شبکه (۰.۱۹۱) دارای بیشترین میزان تاثیرگذاری بر کنکور است، منتها رابطه‌ی میان آن دو مستقیم است یعنی با افزایش حمایت‌های اجتماعی رتبه کنکور افزایش می‌یابد. یافته‌ای که با پیش فرض اولیه پژوهش متفاوت است. متغیر امنیت غذایی در مرتبه دوم با میزان (-۰.۱۴۹) که در اصل میزان ناامنی غذایی را می‌سنجد قرار دارد. این یافته حاکی از آن است که با افزایش میزان ناامنی غذایی رتبه کنکور افزایش می‌یابد و با کاهش ناامنی غذایی رتبه کنکور کاهش می‌یابد.

مدل تحلیلی پژوهش



بحث و نتیجه گیری

پدیده‌های اجتماعی پیچیده و چند بعدی هستند و در بحث و تفسیر آن‌ها باید تمام عوامل را در نظر گرفت. از میان عوامل متعدد موثر بر قبولی در کنکور، در پژوهش حاضر تنها چند متغیر مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که در فرضیه اول بین طبقه اجتماعی و رتبه کنکور رابطه‌ای وجود ندارد. به عبارتی نمی‌توان پیش بینی کرد که طبقات اجتماعی بالا بتوانند رتبه‌های بالا به دست آورند، چرا که بسیاری از افراد طبقات پایین نیز رتبه‌های بالا کسب کرده‌اند و در رشته‌های مطرح پذیرفته شده‌اند. از این رو نتیجه‌ی به دست آمده با نظریه بوردیو، که معتقد بود بین طبقه اجتماعی و پیشرفت تحصیلی (نتایج کنکور) رابطه وجود دارد، تفاوت معناداری داشت. گویا نظریه بازتولید طبقاتی بوردیو در میان نمونه‌های پژوهش (دانشگاه بوعلی) مصداق ندارد. لذا درباره این نتیجه در جامعه‌ی ایران که جامعه‌ای در حال گذار و دگرگونی است، تبیین‌های متفاوتی را می‌توان بیان کرد. نخست در ایران با توجه به گسترش پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های مختلف رقابت به معنای اخص کلمه برای رشته‌های مطرح (به خصوص در میان طبقات بالا) در دانشگاه‌های دولتی قوت خود را از دست داده، چرا که با مهیا بودن شرایط برای دانشجویان طبقات بالا، آنان سعی خود را صرف انتخاب رشته‌های مطرح (فارغ از نوع دانشگاه، روزانه، آزاد، غیر انتفاعی و...) می‌کنند، تا این‌که هدف‌شان را صرفاً بر پذیرش در دانشگاه‌های دولتی (هر رشته‌ای) متمرکز کنند. دوم دامنه پژوهش، همه دانشجویان در دانشگاه‌های مختلف استان همدان را در نظر نگرفته است، لذا این امکان وجود دارد که دانشجویان طبقات بالا بیشتر در دانشگاه‌های پزشکی، آزاد، غیر انتفاعی تحصیل بکنند. سوم با گسترش پخش برنامه‌های آموزشی از تلویزیون برای آمادگی در کنکور مانند گزینه‌ی دو، صعود، پرسمان و... به نوعی کسب این سرمایه‌های فرهنگی که قبلاً مختص به طبقات بالا و از طریق صرف هزینه بود، اکنون در دسترس اغلب افراد قرار گرفته و این امکان برای طبقات

پایین ایجاد شده تا با برنامه‌های مکمل درسی آشنا بشوند و شانس قبولی آن‌ها افزایش یابد. همچنین باید توجه داشت که افراد طبقات اجتماعی مختلف نسبت به ادامه‌ی تحصیل و پیشرفت تحصیلی نه به صورت غالبی بلکه "بازاندیشانه" برخورد می‌کنند. طبقات بالا امروزه با معضل تورم مدرک بهتر آشنایی دارند و این امر سبب شده است که آنان وقت و سرمایه خود را صرف مشاغل درآمدزا نکنند تا این‌که برای پذیرفته شدن در کنکور فرصت و زمان را از دست بدهند. چرا که اکنون دانشگاه‌های آزاد با شعارهایی چون "روایت را آزاد انتخاب کن" به آرزوی کسب مدرک بدون هیچ کوششی و فقط با پرداخت پول پاسخ می‌دهد. پس می‌توان این احتمال را داد که طبقات بالا جامعه با داشتن انواع امتیازها در دورانی که تورم مدرک در اوج خود است و تعداد بیکاران دانشگاهی هر روز افزوده می‌شوند، مسیر تحرک خود را به غیر از تحصیلات در دانشگاه‌های روزانه انتخاب می‌کنند.^۱ اما طبقات پایین و متوسط که موقعیت یافتن مشاغل درآمدزا (به صورت آزاد) برایشان محدود است، سعی می‌کنند با پذیرش در دانشگاه‌های دولتی که خدمات رایگان ارائه می‌دهند مسیر تحرک خود را بهبود ببخشند. لذا نتیجه‌ی این پژوهش با پژوهش‌های، خیر^۲ (۱۳۷۶)، کاویان (۱۳۸۴)، نوغانی (۱۳۸۶)، رفیعی (۱۳۹۰)، بیگی (۱۳۹۱)، عنایتی نوین فر (۱۳۹۱)، دی ماگیو و همکاران (۱۹۹۸) تفاوت دارد. چرا که در پژوهش‌های ذکر شده میان طبقه و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود داشت، لیکن فرضیه نخست مبنی بر عدم رابطه میان طبقه اجتماعی با رتبه‌ی کنکور با پژوهش حیدریان (۱۳۹۳)، معتقد لاریجانی (۱۳۹۳)، نری و ویلی (۲۰۰۸) و ژاگر (۲۰۱۰) همسو است. و یا می‌توان نتیجه حاصل را مانند خدابنده اویلی (۱۳۹۲) به صورت بسیار محافظه کارانه این چنین بیان کرد "در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان عوامل اجتماعی در مرتبه‌ی اول و عوامل اقتصادی در مرتبه‌های بعد دارای اهمیت هستند". در این پژوهش نیز طبقه اجتماعی نه به صورت آشکار و مستقیم بلکه به صورت مکنون و در طول شبکه‌ای از روابط (امنیت غذایی) به صورت غیر مستقیم تاثیر گذار بود. نکته قابل توجهی دیگری که در این بخش قابل ذکر است سیال بودن طبقه در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت است.^۳ به عبارتی عوامل

۱. برای درک بهتر این تبیین می‌توان به آمار سال جاری سازمان سنجش مبنی بر پذیرش ۵۰۰ هزار نفر در مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد، و ۸۹۷۲۶ نفر در دانشگاه‌های غیر انتفاعی و پردیس‌های خودگردان استناد کرد که حاکی از تحصیل طبقات بالا به غیر از دانشگاه‌های دولتی و در دانشگاه‌های غیر دولتی (پولی) می‌باشد.

۲. نتایج پژوهش نشان داد که بین طبقه اجتماعی (تحصیلات والدین+منزلت شغلی والدین) با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. هر چند شدت این رابطه در میان دو جنس و همچنین مقاطع مختلف تحصیلی متفاوت بود.

۳. دکتر عباس کاظمی در مورد استفاده از نظریه بوردیو در جامعه ایران معتقد است "نکته آخر به شیوه کاربرد نظریه بوردیو در ایران بر می‌گردد، در سال‌های اخیر در ایران، مفاهیم بوردیو زیاد به کار گرفته شده است بدون آن‌که به تفاوت

سازنده طبقه و کارکرد آن می‌تواند از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت عمل کند. و احتمال دارد که گویه‌های انتخاب شده برای متغیر طبقه در این پژوهش، در صورت استفاده در میان جمعیت آماری دیگری به نتایج متفاوت بینجامد. لذا برای سنجش متغیرهایی نظیر طبقه در شرایط فعلی جامعه ایران نیاز به گویه‌های بومی و جدیدی است. در فرضیه دوم میان متغیر اخلاق کار با رتبه کنکور نیز رابطه معناداری به دست نیامد. چنان‌که پیش بینی می‌شد طبقات پایین باید از اخلاق کار بالاتری برخوردار می‌بودند تا از آن به عنوان مکانیسم جبران برای کسب نتایج بهتر در کنکور استفاده نمایند اما یافته‌ها پژوهش حاکی از نبود رابطه میان این دو متغیر در کنکور بود. هر چند تحلیل مسیر ارتباط غیر مستقیم اخلاق کار بر میزان امیدواری و به طبع بر روی کنکور را نشان داد. به عبارتی کسانی اخلاق کار بالایی داشتند، امیدوارتر و خوش بین تر از بقیه بودند. همچنین در فرضیات جانبی پژوهش مبنی بر میزان تفاوت طبقات اجتماعی از نظر اخلاق کار، مطرح شد که تفاوت معنادار نبود. به عبارتی این پیش فرض که طبقات پایین از اخلاق کار بالایی برخوردارند در پژوهش حاضر تایید نشد. اما در تبیین این که چرا اخلاق کار به صورت مستقیم با رتبه کنکور ارتباط ندارد می‌توان گفت که نخست تمام دانشجویانی که در دانشگاه بوعلی سینا پذیرفته شده جزئی از نمونه‌ای هستند که برای قبولی در کنکور تلاش و کوشش کرده‌اند، اگر دانشجویانی از جمعیت دیگر مانند دانشگاه آزاد و پیام نور، در نمونه وجود داشتند و اخلاق کار آنان با اخلاق کار دانشجویان بوعلی سینا مقایسه می‌شد، ممکن بود نتیجه نوع دیگر خود را نشان دهد. ثانیاً با این‌که نمونه از طبقات مختلف تشکیل شده است ولی امروزه همه طبقات زندگی سرمایه دارانه را الگوی خود قرار داده‌اند و طبقات پایین نیز اگر بتوانند از نان شب خود می‌زنند تا شرایطی را فراهم کنند تا فرزندان‌شان کمترین تفاوتی بین خود و فرزندان طبقات بالای جامعه احساس نکنند. به عبارتی سبک فرزند پروری طبقات پایین در ظاهر شبیه به فرزند پروری طبقات بالا شده است و تمام سعی خود را به کار می‌برند تا شرایط و لوازم زندگی طبقه متوسط را برای فرزندان‌شان تهیه کنند تا در رقابت از آن‌ها عقب نمانند (= خشونت نمادین)، در نتیجه اخلاق کار طبقات پایین جامعه به سمت اخلاق کار طبقات بالا و متوسط میل می‌کند (چنان‌که میانگین اخلاق کار در میان دانشجویان دانشگاه بوعلی متوسط به بالا است) و این روند باعث بازتولید طبقه پایین می‌شود. لذا یافته‌های این پژوهش با پژوهش کاویان (۱۳۸۴)، معید فر (۱۳۸۵)، تاربوت راج میکر و فون ول (۲۰۰۵)، بوگست

میان این دو نوع جامعه (فرانسه و ایران) توجه شده باشد. از سوی دیگر تمایز بوردیو را باید در بستری از جامعه‌شناسی انتقادی بوردیو فهم کرد. مسئله بوردیو، نقد گروه‌های مسلط در جامعه است اما در شیوه‌های کاربست نظریه بوردیو در ایران به این نکته توجه نمی‌شود. در عوض ما در ایران همواره با یک بوردیوی مثله شده، تغییر یافته و محافظه کار روه‌رو هستیم".

و همکاران (۲۰۰۵) تفاوت دارد، چرا که در پژوهش‌های فوق رابطه‌ی اخلاق کار و موفقیت تحصیلی معنا دار بود و از این جهت که با افزایش تحصیلات، اخلاق کار کاهش نمی‌یابد و نبود تفاوت اخلاق کار بین دختران و پسران دانشجو با پژوهش توسلی (۱۳۸۷)، احمدی (۱۳۹۰)، فرشچی (۱۳۹۴) همسو بوده و از نظر نبود تفاوت میان اخلاق کار طبقات بالا و پایین با پژوهش توسلی (۱۳۸۷) همخوانی دارد.

در فرضیه سوم بین امید و رتبه کنکور داوطلبان رابطه‌ای یافت نشد، نتیجه پژوهش گویای این مطلب است که امیدوار بودن داوطلبان رابطه‌ای با کسب رتبه بالا در کنکور ندارد. و افراد امیدوار و خوش‌بین در کنکور رتبه‌های بهتری کسب نکرده‌اند. ولی در رگرسیون چندگانه متغیر امید ارتباط غیر مستقیمی با رتبه دارد و در میان شبکه‌ای از روابط تاثیرگذاری خود را نشان داد. در فرضیه جانبی پژوهش که آیا پذیرفته شدگان در رشته‌های محبوب نسبت به پذیرفته شدگان در رشته‌های کمتر محبوب از امید بالاتری برخوردارند، یافته‌های پژوهش حاکی از عدم رابطه میان این دو متغیر بود. لذا در تبیین این رابطه می‌توان از نظریه "تورم مدرک تحصیلی" بوردیو استفاده کرد^۱. همچنان که بوردیو معتقد است با رشد پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و استقبال عموم از این روند کم‌کم نیاز جامعه به این رشته‌ها اشباع می‌شود ولی از آنجا که هنوز این رشته‌ها در تصور ذهنی عموم محبوب جلوه می‌کنند، لذا دانشجویان با توجه به استقبال و تشویق دیگران این رشته‌ها را انتخاب می‌کنند ولی حین تحصیل در این رشته‌ها متوجه اشباع بازار کار و برابر بودن ارزش فعلی آن با رشته‌های دیگر می‌شوند، اما در حقیقت زحمتی که دانشجوی روزانه برای پذیرش در رشته‌ای مانند حقوق صرف می‌کند، چند برابر تلاشی است که دانشجوی دانشگاه آزاد یا پیام نور صرف می‌کند. همین امر می‌تواند به کاهش انگیزه و امید دانشجویان در رشته‌های محبوب بینجامد، چرا که بسیاری از نهادها هنگام استخدام نیروی کار، تفاوتی در بین نوع مدرک و نوع و سطح دانشگاهی قائل نیستند. لذا عوامل فوق می‌تواند باعث بی‌انگیزه شده دانشجویان با استعداد بشود. ارتباط غیر مستقیم امید با رتبه کنکور با پژوهش‌هایی که پترسون (۲۰۰۶)، فولر و چرسستیکر (۲۰۰۸)، اسنایدار و همکاران (۲۰۰۱)، بهروزی و محمدی (۱۳۸۷)، یعقوبی و محقق (۱۳۹۰) و ابراهیمی (۱۳۹۲) همسو است. همچنین این پژوهش مانند پژوهش علی زاده اقدام (۱۳۹۱) نشان داد که امید به آینده با رتبه رابطه دارد، ولی این رابطه ضعیف و غیر مستقیم است. و از نتایج تحلیل رگرسیون در باره امید

۱. ورودی‌های جدید در رشته‌های مطرح و محبوب این توقع و آرزو را دارند که تحصیلات دانشگاهی چیزی را به آنان خواهد داد که وقتی خودشان در بیرون از نظام آموزشی بودند، به دیگران داده است. در ایامی پیش‌تر و برای سایر طبقه‌ها، این آرزو کاملاً واقع بینانه بود. چون با احتمالات عینی مطابقت داشت. اما آن‌ها غالباً به محض روبرویی با مقتضیات بازار تحصیل یا بازار کار به سرعت سرخورده و مایوس می‌شوند (تمایز: ۲۰۵)

می‌توان چنین برداشت کرد که امید به تنهایی نمی‌تواند موجب موفقیت شود اما در کنار شبکه‌ای از روابط مطمئناً تاثیر گذار خواهد بود.

فرضیه چهارم، رابطه بین امنیت غذایی و رتبه کنکور، نتایج دو متغیره حاکی از عدم رابطه امنیت غذایی با رتبه کنکور بود. اما از آنجا که ممکن است در روابط دو متغیره رابطه‌ها به صورت کاذب نمایش داده شوند، و در رگرسیون این احتمال کمتر است، از همین جهت در این بخش به یافته‌های رگرسیون درباره امنیت غذایی استناد می‌شود. در رگرسیون چندگانه امنیت غذایی رابطه‌ی مستقیم با رتبه کنکور دارد. لذا دانشجویانی که از امنیت غذایی کافی برخوردارند رتبه‌های بهتری به دست می‌آورند. لذا نکته‌ای که در این بخش نباید فراموش کرد این است که ۲۸۵ نفر (۷۷ درصد) از پاسخ‌گویان با توجه به شاخص‌های امنیت غذایی در نقطه امن و ناامنی خفیف هستند. از طرفی عدد به دست آمده را نیز باید با احتیاط ذکر کرد، چرا که هدف این پژوهش سنجش امنیت غذایی در خانواده است ولیکن از آنجایی که برخی از پاسخ‌گویان خوابگاهی بودند پرسش‌نامه را با توجه به غذاهایی که در خوابگاه و سلف سرویس دانشگاه دریافت می‌کردند، پاسخ گفته‌اند و با توجه به فرضیه جانبی پژوهش مبنی بر رابطه‌ی میان امنیت غذایی با طبقات اجتماعی یافته‌ها حاکی از معناداری این دو متغیر است. لذا در این صورت تاثیر طبقه اجتماعی به صورت مکنون بر رتبه مشخص می‌شود. زیرا کسانی که از امنیت غذایی برخوردارند افرادی هستند که از طبقات بالای جامعه‌اند. لذا نتیجه این فرضیه با پژوهش‌های: کدی (۲۰۱۴)، دو پژوهش خانم محمد زاده (۱۳۹۲)، ریحانه بصیرت (۱۳۹۰) و مقدم بنائم (۱۳۷۹) همسو است و با پژوهش لارا کیم (۲۰۱۵) از جهت رابطه امنیت غذایی با پیشرفت تحصیلی تفاوت دارد.

در **فرضیه پنجم** رابطه بین سرمایه اجتماعی شبکه‌ای و نتایج کنکور یافته‌ها حاکی از این است که بین سرمایه اجتماعی شبکه‌ای و نتایج کنکور رابطه معنادار وجود دارد. منتها جهت این رابطه مستقیم است. به عبارتی با افزایش یکی آن دیگری نیز افزایش می‌یابد. در توضیح بیشتر می‌توان گفت که در مدل پژوهش ذکر شده بود که حمایت‌های اجتماعی باعث عمل کرد بهتر در پیشرفت تحصیلی می‌شود، چنان‌که کسانی که از حمایت خانواده و دوستان و منابع نهادی برخوردار باشند در نهایت این سرمایه‌ها منجر به پیشرفت تحصیلی و کسب رتبه‌های کنکور خوب می‌شود. ولی یافته‌های پژوهش حاضر کاملاً مقابل پیش فرض‌های موجود درباره نظریه‌های سرمایه‌ی اجتماعی عمل می‌کند. به عبارتی با افزایش سرمایه اجتماعی رتبه‌های کنکور هم افزایش می‌یابد. لذا در تبیین آن می‌توان بیان کرد، شاید متغیر شبکه با دوازده گویه به اندازه کافی جامع نبوده است. به عبارتی شاید بهتر بود برای سنجش سرمایه اجتماعی از گویه‌های بیشتری استفاده می‌شد تا ابعاد دیگر سرمایه را بسنجد. دوم ممکن است ابعاد ذکر شده از قدرت تبیین‌کنندگی بالایی

برخوردار نبودند. سوم، شاید علت این امر وجه مثبت گویه‌ها باشد چرا که همه گویه‌ها وجه مثبت قضیه را می‌سنجیدند. چهارم در تبیین این رابطه می‌توان گفت که با گسترش فرزند سالاری در جامعه معاصر فرزندان که از انواع حمایت‌ها (حمایت خانواده‌ها، حمایت دوستان، و حمایت منابع) برخوردار می‌شوند و چون حمایت در هر شرایطی برای آنان وجود دارد پس سرمایه اجتماعی به جای عملکرد مثبت -افزودن تلاش جهت کسب رتبه‌های خوب- باعث افزایش میزان رتبه (کاهش تلاش) برای آنان می‌شود. و به جای مقید کردن و سخت کوش کردن آنان باعث راحت طلبی آنان می‌شود. از سویی چون منابع نهادی با محیط دانشگاه و وضعیت بازار کار پس از اتمام تحصیلات آشنایی دارند، باعث تشویق دانش آموزان به سمت بازار کار می‌شوند تا قبولی در کنکور. همچنین یافته‌ها تاثیر منفی حمایت افراطی فرزندان بر موفقیت تحصیلی را گوشزد می‌کند. مهتا بودن همه نیازها و عدم دریافت ناکامی از سوی خانواده در نتیجه به کسب ناکامی سنگین تر (رتبه‌های ضعیف) می‌انجامد. در یک تحلیل دیگر می‌توان گفت که احتمال دارد شبکه‌ی دوستی در دوران جدید به جایی همیاری و همکاری که منجر به موفقیت هر دو فرد می‌شود، با تقویت حس رقابت به نتایج معکوس بینجامد. یعنی شبکه‌ی دوستان به جای این که محیط گرمی برای کمک به کدیگر باشند تبدیل به محیط رقابتی شده است که صرفاً هدف آن رقابت و عدم همکاری سازنده است. از سوی در بخش سوالات پژوهش با مقایسه سرمایه اجتماعی شبکه در بین پسران و دختران دانشجو مشاهده شد که سرمایه اجتماعی شبکه برای پسران در مقابل دختران بیشتر است و علت این امر را می‌توان در اعتماد بیشتر خانواده‌ها به پسران در مقابل دختران در دوست یابی‌ها دانست (دیدگاه سنتی به جنسیت). لذا نتیجه فرضیه چهارم با پژوهش‌های: رفیعی (۱۳۹۰)، بوستانی (۱۳۹۰)، آقامیرزایی (۱۳۹۲)، خدابنده اویلی (۱۳۹۲)، دی ماگیو و همکاران (۱۹۹۸)، سان (۱۹۹۹)، لین و ندرگاک و اشتایدر (۲۰۰۱) از این نظر که سرمایه اجتماعی با پیشرفت تحصیلی (رتبه کنکور) رابطه دارد، همسو است و از این نظر که جهت این رابطه مثبت باشد تفاوت دارد.

فرضیه آخر که رابطه میان متغیر هوش شناختی و رتبه کنکور را نشان می‌دهد حاکی از وجود رابطه معنادار بین دو متغیر بود. و افرادی که در کنکور رتبه‌های خوب کسب کردند دارای بهره هوشی بیشتری از کسانی که رتبه‌های پایین تر به دست آورده‌اند بودند. به عبارتی بیشتر کسانی که در کنکور رتبه‌های خوب به دست آورده‌اند به اغلب سوالات هوش پاسخ درست داده‌اند. پس وجود ارتباط بین دو متغیر حاکی از پیش بینی کنندگی هوش شناختی در کسب رتبه کنکور است. دانشجویانی که رتبه‌های بالاتری کسب کرده بودند به تعداد بیشتری از سوالات هوش پاسخ صحیح داده‌اند.

همچنین در بخش **فرضیه‌های جانبی پژوهش** تفاوت میان هوش کسانی که در رشته‌های محبوب تحصیل می‌کنند با کسانی که در رشته‌های کمتر محبوب تحصیل می‌کنند، معنادار بود. یعنی کسانی که در رشته‌هایی چون مکانیک، برق، حقوق و... تحصیل می‌کنند در آزمون هوش نمرهٔ بهتری کسب کرده‌اند. و از تمرکز، سرعت عمل، اطلاعات عمومی، هوش محاسباتی، حافظهٔ بلند مدت و... بهتری نسبت به کسانی که در رشته‌های کمتر محبوب تحصیل کرده بودند برخوردار بودند. تفاوت هوش مردان نسبت به زنان نیز معنادار بود. به عبارتی نمره‌ی هوش (هوشبهر) مردان نسبت به زنان تفاوت معناداری داشت. هر چند که این یافته با انتظارات پیشین (برابری هوش) تفاوت دارد، دانشجویان پسر نمرهٔ بالاتری از دانشجویان دختر کسب کردند. از آنجایی که اجرای پرسش نامه در زمان امتحانات بود احتمال این می‌رود که استرس پذیری بالایی زنان نسبت به مردان باعث منفی شدن پاسخ گویی دانشجویان دختر باشد. لذا یافته‌های این فرضیه از این جهت که بین هوش و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد، با پژوهش‌های واروارا (۲۰۱۵)، نادری (۲۰۱۴)، رحیم پور (۱۳۹۳)، رسول زاده‌ی طباطبایی (۱۳۸۲) همسو است. ولی از این نظر که هوش مردان و زنان با هم متفاوت است با پژوهش رحیم پور تفاوت دارد و از این نظر که دانشجویان با رشته‌های محبوب هوش بیشتری از دانشجویان رشته‌های کمتر محبوب دارند با پژوهش رحیمی (۱۳۹۱) همسو است. همچنین در فرضیهٔ پژوهش مبنی بر رابطهٔ میان امنیت غذایی و هوش یافته‌ها حاکی از معناداری این متغیر بود. همچنان که در مدل تحلیل مسیر نیز مشاهده می‌شود با افزایش مقدار هوش ناامنی غذایی کاهش می‌یابد و با کاهش هوش ناامنی غذایی افزایش می‌یابد. لذا رابطهٔ بین ناامنی غذایی با هوش رابطه‌ای معنادار و معکوس است.

بین طبقهٔ اجتماعی و پذیرفته شدن در رشته‌های محبوب و کمتر محبوب تفاوت معنا دار نبود. به عبارت دیگر با توجه به طبقات اجتماعی افراد نمی‌توان پیش بینی کرد چه رتبه و در چه رشته‌هایی امکان تحصیل دارند. بسیاری از افراد طبقات بالا که در رشته‌های کمتر محبوب تحصیل می‌کنند و طبقات پایین زیادی نیز در رشته‌های محبوب در حال تحصیل هستند.

در نهایت با توجه به نظریهٔ بازتولید طبقاتی بوردیو می‌توان گفت: اگر معیار پژوهش پذیرفته شدگان طبقات بالا در همهٔ دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی باشد می‌توان از مطابقت این نظریه در شرایط فعلی ایران خبر داد ولیکن وقتی هدف پژوهش منحصر به دانشگاه‌های دولتی (مانند بوعلی سینا) باشد که در آن رابطهٔ میان دانشجویان طبقات بالا با سرمایه گذاری‌هایی که در جهت تحصیل فرزندان خود به عمل می‌آورند و موفقیت تحصیلی (=بازتولید طبقاتی) باشد، در پژوهش حاضر رابطهٔ معناداری به دست نیامد. چنانچه بوردیو معتقد بود، طبقات بالا با داشتن امتیازات بیشتر ابتکار عمل را در دست دارند، ولی گویا دانش آموزان و دانشجویان طبقات پایین، با استفاده از استراتژی بازاندیشی و برخلاف نظر بوردیو محکوم به گذران سرنوشت خود، بدون داشتن هیچ

قدرتی برای تغییر مسیر زندگی نیستند. در جمع بندی رابطه میان طبقه اجتماعی با رتبه کنکور می‌توان تا حدودی با این سخن لمونت^۱، جامعه‌شناس آمریکایی موافق بود «درست است که بر خورداری از سرمایه فرهنگی برای رسیدن به قدرت و موفقیت در جامعه اهمیت دارد، اما اهمیتش بدان حد نیست که بورديو معتقد است». در دید کلی، ساختارهای قشر بندی فرهنگی در جوامع از زمان تحقیق بورديو دگرگون شده‌اند. «دست‌رسی وسیع‌تر به آموزش عالی، همراه با صعود درآمدهای قشر پایین طبقه متوسط و قشر بالای طبقه کارگر، به حضور گسترده‌تر عموم مردم در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و برچیده شدن برخی مرزبندی‌های پیشین اجتماعی انجامیده است»^۲. طبقات مختلف اجتماعی مدام موقعیت خود را با توجه به شرایط فعلی و پیش بینی شان از شرایط آینده مورد بازاندیشی قرار داده و استراتژی‌هایی را به کار می‌برند تا بهترین راهبردها را برگزینند، این موضوع نشانگر سیال بودن مفهوم طبقه در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت است.

منابع

- ابراهیمی، نسیرین (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه امید با موفقیت تحصیلی دانشجویان» *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، شماره ۶۰.
- احمدی، سیروس (۱۳۹۱)، «بررسی فرهنگ کار عوامل اجتماعی مؤثر بر آن» *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و سوم، شماره پیاپی ۴۶، شماره ۲.
- ارشادی، حدیجه و کامران، فریدون (۱۳۸۸) «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی شبکه و سلامت روان» *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، سال دوم، شماره ۳.
- آقامیرزایی، طاهره و صالحی عمران، ابراهیم (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان - مطالعه مورودی دانشگاه علوم و فنون مازندران» *نامه آموزش عالی*، دوره جدید، شماره ۲۰.
- باینگانی، بهمن و کاظمی، علی (۱۳۸۹) «بررسی مبانی تئوریک مفهوم سرمایه فرهنگی»، *برگ فرهنگ*، شماره ۲۱.
- بصیرت، ریحانه (۱۳۹۰) «بررسی ارتباط عدم امنیت غذایی خانوار با چاقی دانش آموزان دبستانی شهر فرح آباد» *کوشش*، جلد ۱۳، شماره ۲.
- بورديو، پی یر (۱۳۹۳)، تمایز، نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی، مترجم حسن چاوشیان، تهران، نشر ثالث.
- داریوش بوستانی (۱۳۹۰)، «سرمایه اجتماعی و رفتار پرخطر؛ نمونه مورد مطالعه: دانش آموزان دبیرستانی شهر کرمان»، *علوم اجتماعی*، بهار و تابستان ۱۳۹۱ شماره ۱.

1. Lamont
2. rasekhoon.net

پیروزان، محبوبه و موحد، مجید (۱۳۹۰)، «مطالعه رابطه سرمایه فرهنگی با نگرش زنان معلم شهر شیراز نسبت به تبعیض جنسیتی» کتابخانه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد.

تأمین، ملوین (۱۳۹۳)، *جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، توتیا.

تشویق، فاطمه (۱۳۹۲) «رویکرد نظری تأثیر سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان» *نشریه جامعه و مدرسه*، شماره ۱.

تنهایی، مریم (۱۳۹۴) «بررسی وضعیت امنیت غذایی با استفاده از شاخص تنوع غذایی: مطالعه موردی مناطق روستایی شهرستان مرودشت استان فارس» *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۱۸، شماره ۴.

توسلی غلامعباس و موسوی مرضیه (۱۳۸۴)، «مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی» *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۶.

توسلی، غلامعباس (۱۳۸۳) «تحلیلی از اندیشه پیر بوردیو در باره فضای منازعه آمیز اجتماعی و نقش جامعه‌شناسی» *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۳، صص ۲۵-۱.

جلالی، محمدرضا (۱۳۸۶)، «تحلیل رابطه نابرابری‌های طبقاتی و نابرابری‌های آموزشی با تأکید بر نقش متغیرهای واسطه‌ای» *فصلنامه تعلیم و تربیت*، سال بیست و سوم، شماره ۳.

جویباری لیلیا؛ بیکی، فریبا (۱۳۹۳)، «بررسی ارتباط سرمایه فرهنگی بانگیزه ورود به دانشگاه و عملکرد تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان» *مجله توسعه آموزش در علوم پزشکی*، دوره ۷ حبیبی، محمد و جعفری، مصطفی (۱۳۸۱)، «فرهنگ کار» *مجله تدبیر*، شماره ۱۲۵.

خداینده اوپلی، عباس (۱۳۹۲)، «عوامل مؤثر بر موفقیت دانش‌آموزان استان یزد در کسب رتبه نخست ورود به دانشگاه‌های کشور طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸» *فصلنامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی*، سال دوم، شماره سوم.

رحیمی، محمدرضا (۱۳۹۱)، *نهادینه سازی وجدان کاری با روحیه اسلامی*، موسسه علمی پژوهی امام خمینی (ره)، سال دوم، شماره اول.

رسول زاده طباطبایی، کاظم (۱۳۸۲)، «بررسی مقایسه‌ای IQ، خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانشجویان با استعدادهای (بالای ۲/۵ انحراف معیار) و عادی» دانشگاه تربیت مدرس.

زنجانی زاده، هما (۱۳۸۳)، «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی پیر بوردیو»، *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره دوم.

سعیدی راد، حسن و همکاران (۱۳۹۱)، «رابطه هوش هیجانی و شناختی معلمان با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان» *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، سال سوم، شماره ۱۰.

سفیری، خدیجه و باستانی، سوسن (۱۳۹۳) «حمایت شبکه اجتماعی غیر رسمی و رضایت از اوقات فراغت زنان متاهل شاغل در شهر اردبیل» *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*.

- سید حمزه، شیرین و دمازی، بهزاد (۱۳۹۶)، «مدل مفهومی امنیت غذا و تغذیه در ایران»، *مجله مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت*، دوره ۴، ش ۳، ص ۲۲۸ الی ۲۳۷.
- شارع پور، محمود (۱۳۸۶)، «نقش شبکه‌های اجتماعی در بازتولید نظام آموزشی» *فصلنامه تعلیم و تربیت*، سال بیست و سوم، شماره ۳.
- شالچی، وحید (۱۳۸۶)، «سبک زندگی جوانان کافی‌شاپ، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*» شماره ۱، صص ۹۳-۱۱۵.
- عظیمی، غلامرضا (۱۳۹۵)، «تطورات مفهوم طبقه در اندیشه مارکسیستی با تاکید بر آراء رایج، *مجله جامعه‌شناسی ایران*» دوره ۱۶، شماره ۳.
- عظیم پور، علی‌رضا (۱۳۹۳)، «مقایسه هوش‌بهر دانشجویان بر اساس رشته تحصیلی و جنسیت در دانشگاه سلمان فارسی کازرون» *نامه آموزش عالی*، دوره ۷، شماره ۲۷.
- علی مرادی زینب (۱۳۹۳)، «امنیت غذایی خانواده در ایران، مرور سیستماتیک مطالعات ایرانی» *نشریه علمی پژوهشی دانشکده پرستاری و مامایی*، خدمات درمانی دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۲۴، شماره ۸۷.
- علیزاده اقدام، محمد (۱۳۹۱)، «بررسی میزان امید به آینده در بین دانشجویان و عوامل مؤثر بر آنان»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و سوم، شماره پیاپی ۴۸، شماره ۴.
- عنایتی نوین فر، علی (۱۳۹۱)، «بررسی مقایسه‌ای عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان دانشکده‌های فنی و مهندسی و روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران» *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، شماره ۶۶، صص ۱۶۷-۱۴۵.
- فرشچی، فاطمه (۱۳۹۴)، «بررسی وضعیت اخلاق کار کارکنان دانشگاه بوعلی سینا» *فصلنامه علمی ترویجی اخلاق*، سال ۵، ش ۱۸.
- فیضی، آوات، محبوبی، طاهر (۱۳۹۱)، «رابطه هوش شناختی و تحمل ابهام با کار آفرینی در دانشجویان دانشگاه پیام نور استان آذربایجان غربی» *تحقیقات علوم رفتاری*، دوره ۱۰، شماره ۴.
- کاشانی، مجید و ولی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۰)، «بررسی تأثیر طبقه اجتماعی بر تحصیلات، موسسه سفیران مبین».
- کاویان، بهنام (۱۳۸۴)، «بررسی اخلاق کار در بخش دولتی و خصوصی» *مجله تدبیر*، شماره ۱۶۵.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۹)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی.
- گنجی حمزه و همکاران (۱۳۹۰)، «مقایسه سهم هوش شناختی، خلاقیت و هوش هیجانی در پیش‌بینی موفقیت تحصیلی دانش آموزان و دانشجویان در سطوح مختلف» *فصلنامه‌های تازه‌های روان‌شناسی صنعتی/سازمانی*، سال دوم، شماره ۶.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی*، مترجم حسن چاوشیان، تهران، نشر نی.

- محبی نورالدین وند، محمدحسین (۱۳۹۳)، «رابطه سرمایه روان شناختی امید، خوش بینی، تاب آوری و خود کارآمدی» با هدف‌های پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانشجویان سال اول، *پژوهش در برنامه ریزی درسی*، سال یازدهم، شماره دوم.
- محمدزاده، آسیه (۱۳۹۰) «بررسی وضعیت امنیت غذایی خانوار و مصرف مواد غذایی دانش آموزان دبیرستانی شهر اصفهان» *مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران*، دوره ۷، شماره ۱.
- معتقد لاریجانی، محمد (۱۳۹۳)، «نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان» دوره راهنمایی شهر تهران، *فصلنامه‌ی روان‌شناسی تربیتی*، شماره سی و یکم، سال دهم.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۵)، «اخلاق کار و عوامل مؤثر بر آن در میان کارکنان ادارات دولتی» *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۳.
- مقدم بنائم، ناهید (۱۳۷۹)، «تأثیر میان وعده غذایی در مدرسه بر توانایی یادگیری و پیشرفت تحصیلی کودکان دبستانی» *مجله دانشکده پزشکی*، شماره چهار.
- مومنی، سوبل (۱۳۹۲)، «بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و شادکامی با پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان دختر دبیرستانی» *مجله روان‌شناسی مدرسه*، دوره ۱/۲، ۱۳۰-۱۱۹.
- مؤیدحکمت، ناهید (۱۳۹۲)، «درآمدی بر رویکرد روش شناختی پیر بورديو به مفهوم سرمایه فرهنگی» *جامعه پژوهی فرهنگی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۴، شماره ۱.
- نوغانی، محسن (۱۳۸۶)، «تأثیر نابرابری‌های سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان پیش دانشگاهی در دست یابی به آموزش عالی» *فصلنامه تعلیم و تربیت*، سال بیست و سوم، شماره ۳.
- وکیلی، افشین (۱۳۸۹)، «بررسی مفهوم فرهنگ کار» پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتال جامع علوم انسانی.
- یعقوبی، ابوالقاسم و محقق، حسین (۱۳۹۰)، «بررسی راه‌های افزایش میزان امید در دانشجویان دانشگاه بوعلی» *فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران*، سال چهارم، شماره دوم.
- Cady. Clare L (2014), *Food Insecurity as a Student Issue*, Oregon State University.
- Fowler, J .H ,Christakis , N .A. (2008), Dynamic Spread of Happiness in a Large social Network: Longitudinal Analysis Over 20 Year in The Framingham Heart Stude, *British Medical Journal*, 337 -338
- Habibollah. Naderi, Rohani. Abdullah, H. Tengku Aizan, Jamaluddin. Sharir (2010), Intelligence and academic achievement: an investigation of gender differences, *Life Science Journal*, Vol 7, No 1
- Jaeger, Mads Meier (2010), *Dose Cultural Really Affect Academic Achievement?* , New Evidence From Combined Sibling and Panel.
- Kraaykamp, G, & Ejick, K (2010), «The Intergenerational Reproduction of Cultural Capital and Educational choius in a Meritocratic Society» , *Journal of social Forces*, 89 (1), 209-231.

- Laura Kim, B. A. (2016), *the Relationship Between Food Security Insecurity and Academic Achievement in United States*, Washington, DC.
- Lin, N, (1999), «Building a Network Theory of Social Capital» 131-45, in *Social Structure and Network Analysis*, P. V, M-a rseden and N Lin (ads), Beverly Hill, Ca: SAGE
- Nash, Roy (1990), Bourdieu on Education and Social and Cultural Reproduction; *British Journal of Sociology of Education*, Vol. 11; No. 4; pp. 431-447
- Olin Wright, Erik «Social Class» (2003), *Departement of Socioloy*, University of wisconsin-Medison
- peterson, S. J., Gerhardt, M, W, & RodI, J. C, (2006), «Hope, Learning goals, and Task Performance», *Personality And Indeividual Differeencs*, 40, 1099-1109
- Sun, Y (1999), The Contextuol Effects of Community Social Capital on Academic Performance, *Social Science Research*, (28)4.403-426
- Varvara I. Morosanova, Tatiana.G. Fomina, Irina N. Bondarenko (2015), «Academic achievement: Intelligence, regulatory, and cognitive predictors » *Psychology in Russia: State of the Art*, Volume 8, Issue 3.

پیوست شماره ۱- آمار پذیرفته شدگان نهایی رشته‌های تحصیلی به تفکیک گروه‌های آزمایشی در آزمون

سراسری سال ۱۳۹۵

(اعم از رشته‌هایی که پذیرش آن‌ها براساس آزمون و سوابق تحصیلی و یا صرفاً براساس سوابق تحصیلی

صورت پذیرفته است)

گروه‌های آزمایشی					جمع	گروه آزمایشی رشته‌های تحصیلی
زبانهای خارجی	هنر	علوم انسانی	علوم تجربی	علوم ریاضی و فنی		
۳۸۲۱	۳۳۴۰	۲۳۳۴۷	۴۵۱۷۲	۴۹۳۵۹	۱۲۵۰۳۹	روزانه
۷۵۹	۷۰۵	۷۶۳۶	۶۱۲۴	۱۱۸۳۳	۲۷۰۵۷	نوبت دوم (شبانه)
۴۹۱۰	۱۱۲۳	۶۵۰۱۹	۵۲۲۷۵	۲۰۵۹۵	۱۴۳۹۲۲	دانشگاه پیام نور
۲۰۶	۷	۳۲۴۷	۱۹۴۳	۱۴۳۱	۶۸۳۴	دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
۳۰۴۹	۳۹۸۹	۱۵۷۲۶	۳۱۵۸۸	۳۱۳۹۲	۸۵۷۴۴	مؤسسات غیرانتفاعی و غیردولتی
۰	۲۹	۹۹	۲۹۷۹	۸۷۵	۳۹۸۲	دوره‌های پردیس خودگردان
۰	۰	۲۱۳	۰	۰	۲۱۳	نیمه حضوری
۰	۰	۷۲۰	۱۰۸	۱۰۳۷	۱۸۶۵	مجازی دولتی
۰	۰	۱۳۱۲	۱۰۴۶	۶۵۹	۳۰۱۷	مجازی غیرانتفاعی
۰	۰	۰	۱۱۵۹	۰	۱۱۵۹	ظرفیت مازاد
۱۲۷۴۵	۹۱۹۳	۱۱۷۳۱۹	۱۴۲۳۹۴	۱۱۷۱۸۱	۳۹۸۸۳۲	جمع کل پذیرفته شدگان